



انترناسیونال ۴۹۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

منصور حکمت hekmat.public-archive.net

جمعه ۱۱ اسفند ۱۳۹۱، ۱ مارس ۲۰۱۳ - ۱۶ صفحه

پیش بسوی یک هشت مارس باشکوه در سراسر جهان!

زنان در مرکز سیاست جهان

مصاحبه با مینا احدی به مناسبت ۸ مارس

و کارگران از آنها دفاع کرده و به اعتصاب دست زدند و این روز مهمی در تاریخ مبارزات آن کشور شد. ایران در چنین موقعیتی است

آور قیمتها و با یک بن بست کامل در زندگیشان روبرو هستند. این اوضاع طبعاً مهر خود را بر هشت مارس خواهد زد. در هشت مارس سال ۱۹۱۷ در پتروگراد زنان علیه گرانی و فقر و جنگ به خیابان رفته

انترناسیونال: هشت مارس امسال در ایران چه ویژگی دارد.

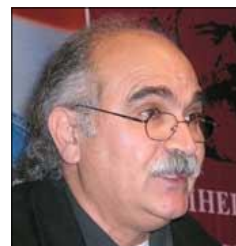
مینا احدی: هشت مارس امسال مردم و زنان در ایران با یک فقر وحشتناک، با بالا رفتن سرسام

ادامه صفحه ۳

ویژگیهای جنبش نوین رهائی زن

مصاحبه با حمید تقوایی

در دهه شصت هم در اروپا و آمریکا شاهد جنبش وسیع زنان بودیم، چه تفاوت ها و چه تغییراتی در جنبش های این دو دوره می بینید؟



حمید تقوایی: جنبشی که به برآمدهائی از آن اشاره کردید، ویژگیهایی دارد که آنرا از دوره قبل متمایز میکند. به نظر من این جنبش از نظر زمینه های سیاسی و اجتماعی شکل گیریش قبل از هر چیز عکس العمل و پاسخ رادیکالی است به دوه بیست و نهم ساله گذشته. دوره سیاهی که با عروج نئوکنسرواتیسم میلیتاریستی دولت آمریکا در کمپ غرب و اعلام "نظم نوین" در

انترناسیونال: در بیانیه حزب بمناسبت هشت مارس از اعتراضات و مبارزات اخیر زنان مثل اعتراض عریان علیا مهدی، اعتراضات گروه فم، جنبش یک میلیارد نفر در روز والتاین، اعتراض توده ای در هندوستان علیه تجاوز جنسی و غیره بعنوان جنبش نوین زنان نام برده میشود. خصوصیات این جنبش چیست و چرا نوین است؟

ادامه صفحه ۲

تشکلهای دست ساز حکومتی و طومار حمایت از مرتضوی

سر ریاست مرتضوی بر سازمان تامین اجتماعی بعنوان یکی از بنگاههای بزرگ اقتصادی کشور که سرمایه هنگفت آن که از جیب

دست ساز رژیم، از مرتضوی یکی از چهره های کریه و جنایتکار جمهوری اسلامی و متهم ردیف اول کهریزک، سندی آشکار بر نقش کثیف و سرکوبگرانه آنان است. بر

شهاب دانشفر

طومار حمایتی کانون عالی شوراها و کانون انجمن های صنفی رژیم این تشکلهای

ادامه صفحه ۵

کمبود آب و حمله مردم به نهاد های جمهوری اسلامی

بهرز مهرآبادی

صفحه ۶

مشت زنان مصری زیر چانه دولت مرسى

کیوان جاوید

صفحه ۴

صفحات دیگر

ناسیونالیسم ایرانی، همیشه طلبکار

یاشار سهندی

اعتیاد زنان

فرح صبری

روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی را هر چه باشکوهتر برگزار کنیم!

بمناسبت ۸ مارس روز جهانی زن کنفرانس، نمایشگاه عکس، راهپیمائی و مراسم!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ویژگیهای جنبش نوین رهائی زن مصاحبه با حمید تقوایی

از صفحه ۱

جهان يك قطبی بعد از جنگ سرد شروع شد و با لجام گسیختگی ارتجاعی ترین نیروهای قومی، نژادی و مذهبی و مشخصا جنبش اسلام سیاسی و جنگ و کشمکش بین این دو قطب، ادامه پیدا کرد. در این دوره سیاه، که در ادبیات حزب دوره جنگ تروریستها نامیده میشود، همه تحولات سیاسی و آرمانها و جنبشهای اعتراضی آزادیخواهانه و حق طلبانه تحت الشعاع این کشمکش ارتجاعی قرار گرفت. در این دوره از لحاظ روینای فکری و نظری نیز در تبلیغات و رسانه ها و فرهنگ رسمی و مسلط هر چه نشانی از آزادی و رهائی و انسانیت داشت به عقب رانده شد و ارتجاعی ترین نظرات و مکاتب فکری مثل مکتب شیکاگو و نسبییت فرهنگی و پست مدرنیسم و انکار ارزشها و هویت جهانشمول انسان دست بالا پیدا کرد. جنبش رهائی زن، حقوق و حرمت و موقعیت اجتماعی زن، اولین قربانی این دوره جنگ تروریستها بود. در این دوره فمینیسم و جنبش سنتی رهائی زن، حتی بخشی که خود را چپ مینامید، نه تنها در برابر این موج تهاجم به زنان نایستاد بلکه خود بزیر پرچم پست مدرنیسم خزید و فاحش ترین بیحرمتی ها و بیحقوقی ها در حق زنان را، از تحمیل شدیدترین و تحقیر آمیز ترین تبعیضات به زنان در کشورهای اسلامزده گرفته تا حجاب و برقع و قتلهای ناموسی و تجاوز شرعی به دختران نه ساله و تا پهن شدن بساط قوانین شریعه در دل اروپا را، با توجیه "نسبییت فرهنگی" و "تولورانس و احترام به فرهنگ دیگران" نادیده گرفت و از کنار آن گذشت.

جنبش نوین زنان که امروز در يك سطح جهانی شاهد برآمد آن

هستیم در واقع انفجار خشم و اعتراض توده ای زنان در پاسخ به این وضعیت است. این جنبش نه تنها از فمینیسم و چپ پست مدرنیستی کاملاً متمایز است بلکه نقد اجتماعی آن است. جنبش نوین زنان را باید بازتاب انقلابات نوین در خاورمیانه و شمال آفریقا و جنبش ضد کاپیتالیستی نود و نه درصدها، در عرصه مبارزه برای رهائی زن به شمار آورد. انقلابات منطقه و مشخصاً انقلاب مصر دوره سیاه نظم نوین را به پایان رساند و زمینه ساز يك حرکت جهانی شد که علیا المهدی مصری و ملاله افغانستانی و گروه فمن و اعتراض میلیونی علیه تجاوز در هندوستان، کمپین "سینه لزان" علیه چرندیات امام جمعه تهران در مورد زلزله، و جنبش موسوم به يك میلیارد و غیره، چهره ها و نمودها و بروزات مشخص آن هستند. این يك رنسانس در جنبش زنان است که حتی آنرا از دوره های اوج آن در سالهای شصت و هفتاد میلادی متمایز میکند. هیچ زمانی مانند امروز جنبش رهائی زن چنین روشن و رادیکال مذهب را، از پاپ و کلیسا تا آیت الله ها و دایناسورهای اسلامی به چالش نکشیده بود، هیچ زمان مانند امروز مساله بردگی جنسی این چنین مورد تعرض مستقیم و جهانی زنان قرار نگرفته بود و هیچ زمان مانند امروز جنبش رهائی زن در مقابل اخلاقیات و فرهنگ کپک زده مذهبی - شونیستی که به زن بعنوان يك کالای جنسی مینگرد، چنین بی پروا و تابو شکنانه بمیدان نیامده بود. این بروز مشخص قد راست کردن "جهان متمدن"، بیداری "غول خفته" و عرض اندام "قطب سوم"ی است که بمدت بیش از دو دهه زیر فشار مذهب و ناسیونالیسم و قومگرایی و نئوکونسرواتیسم و در يك کلام

توحش افسار گسیخته "سرمایه داری بازار آزاد" درهم کوبیده شده، به حاشیه رانده شده و انکار شده بود. از این نقطه نظر جنبش نوین زنان حامل يك گرایش عمیق ضد کاپیتالیستی است. اگر يك نتیجه و پیامد مشخص فروپاشی بلوک شوروی و گسترش بازار آزاد به کمپ سرمایه داری دولتی رونق گرفتن تجارت آزاد سکس و واردات و صادرات دختران و زنان جوان در شرق و در غرب بود، جنبش "اعتراض عریان" اعلام جهانی لغو بردگی جنسی است. این صرفاً يك حرکت ضد مذهبی و ضد تابوهای مردسالارانه نیست بلکه جنبشی است علیه بردگی جنسی و نفی موقعیت زنان بعنوان کالا. موقعیتی که گرچه به قدمت تاریخ بشری است اما امروز مستقیماً و مشخصاً در نظام سرمایه داری ریشه دارد و يك رشته پرسود در سرمایه داری جهانی است. جنبش نوین زن عملاً به این ریشه دست میبرد و همچون جنبش اشغال مستقیماً در برابر کاپیتالیسم قرار میگیرد. اینها بطور خلاصه خصوصیات ویژگیهای است که باعث میشود مبارزات امروز زنان را جنبش نوین بنامیم.

انترناسیونال: به جهانی بودن جنبش زنان اشاره کردید. آیا می توان گفت که جنبش های زنان در نقاط مختلف جهان از يك سنخ و يك جنس هستند؟ بطور مثال در افغانستان و در آلمان يك خصوصیت دارند؟

حمید تقوایی: طبعاً مبارزات و اعتراضات زنان بسته به شرایط سیاسی و اجتماعی معین در هر کشور، مسائل و اهداف فوری متفاوتی را در دستور قرار میدهد و اشکال متفاوتی بخود میگیرد. بعنوان نمونه آن درجه که مقابله با مذهب برای مبارزه زنان در ایران و یا در افغانستان عمده و محوری است برای زنان در کشورهای غربی

چنین نیست. در جوامع اسلامزده و مشخصاً در ایران که يك حکومت اسلامی سر کار است، تحقیر و تبعیض فاحش و مفرط در حق زنان يك امر رسمی و قانونی و دولتی است در حالی که در جوامع غربی زنان از حقوق بیشتری برخوردارند و تبعیض و نابرابری جنسی اساساً در اشکال پوشیده تری اعمال میشود. با اینهمه آرمان و هدف رهائی زن و حتی مسائل پایه ای و چالشهای مقابل جنبش رهائی زن امری عمومی و جهانشمول است. در همه جای جهان زن عملاً - و یا در جامعه ای مثل ایران علناً و قانوناً - شهروند درجه دوم محسوب میشود؛ در همه جا زنان در ازای کار برابر - عملاً و یا رسماً - دستمزد کمتری از مردان دریافت میکنند؛ بردگی جنسی، در اشکال مختلف، امری جهانی است؛ تجاوز جنسی به زنان يك واقعیت روزمره و رایج در همه جوامع است؛ خشونت علیه زنان در همه کشورها اعمال میشود؛ اخلاقیات و تابوهای مردسالارانه و مذهبی - شونیستی امری جهانشمول است، و غیره. میتوان گفت که جنبش رهائی زن نه فقط از نظر آرمان و هدف نهائی اش یعنی رفع تبعیض جنسی در همه سطوح اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و حقوقی، بلکه از نقطه نظر مسائل و اشکال مشخص تبعیض و بیحقوقی ای که در حق زنان اعمال میشود خصلتی جهانی دارد. همین یکسان بودن و جهانشمول بودن مساله زنان - که تنها از نقطه نظر کمی یعنی درجه شدت و ضعف در جوامع مختلف متفاوت است - به جنبش زنان خصلتی جهانشمول و بین المللی میدهد.

انترناسیونال: منصور حکمت انقلاب آتی ایران را انقلابی زنانه لقب داد، آیا می توان این ویژگی را برای سایر انقلابات و جنبش های جاری در

جهان، مطرح کرد؟
حمید تقوایی: اصطلاح انقلاب زنانه بر جایگاه ستم و تبعیض فاحش علیه زنان در ایران و جایگاه ویژه جنبش زنان در انقلاب علیه جمهوری اسلامی تاکید میکنند. در ایران يك حکومت اسلامی سر کار است و تحقیر و تبعیض فاحش و مفرط در حق زنان يك امر رسمی و قانونی و دولتی است. از سوی دیگر بیحقوقی زن و مشخصاً مساله حجاب و آپارتاید جنسی برای جمهوری اسلامی يك مساله سیاسی است که بقای حکومت به آن گره خورده است. برای جمهوری اسلامی تعرض به زنان يك رکن مهم تعرض به کل جامعه و مرعوب کردن و در انقیاد نگاهداشتن توده مردم است. حرکتی که امروز در مصر اخوان المسلمین نیز شروع کرده است. از همین رو جنبش زنان در ایران، و امروز باید گفت بدرجه ای در مصر و تونس نیز، نقش برجسته و تعیین کننده ای در تعیین تکلیف مردم با حکومت ایفا میکند.

نکته دیگر اینکه جنبش زنان در ایران دقیقاً بعلت حاکمیت جمهوری اسلامی همیشه يك خصلت رادیکال و ضد مذهبی داشته است. در سی و چهار سال اخیر، از اولین تظاهرات زنان در ۸ مارس سال ۵۷ علیه حجاب تا شرکت گسترده زنان در انقلاب ۸۸ و تا بدحجابی گسترده بعنوان يك اقدام اعتراضی و تا درگیری هر روزه خیابانی با گشتهای ارشاد و نیروهای سرکوبگر حکومتی، زنان ایران در برابر يك حکومت مذهبی هار و زن ستیز پیگیرانه مبارزه کرده اند. میتوان جنبش زنان علیه حکومت مذهبی و آپارتاید جنسی در ایران را در واقع پیشکسوت جنبش نوین زنان در شرایط امروز دانست.

به این دلایل است که منصور

زنان در مرکز سیاست جهان مصاحبه با مینا احدی به مناسبت ۸ مارس



مینا احدی

از صفحه ۱

و هر جرقه ای میتواند به یک شورش و انقلاب علیه حکومت منجر شود، چرا که نه، زنان قبل از همه بار بیکاری و فقر را بدوش می کشند. قوانین وحشیانه جمهوری اسلامی بیش از هر چیز علیه زنان است. این رژیم هر چه بیشتر در تنگنا قرار می گیرد فشار بر زنان را افزایش می دهد. هشت مارس امسال میتواند آغاز یک شورش اجتماعی علیه حکومتی باشد که با تحمیل فقر و نداری و آپارتاید جنسیتی و زن ستیزی مطلق بر جامعه، میلیونها نفر را به گروگان گرفته است.

انترناسیونال: در دنیا چه خبر است؟ جنبش زنان در دنیا در چه وضعیتی است؟

مینا احدی: دنیای امروز دنیای ارتباطات و تکنولوژی پیشرفته و دنیای ارتباط مستقیم افراد با یکدیگر است. برخلاف دورانی که ما در ایران علیه حکومت شاه انقلاب کردیم و گزارش و تصویر این انقلاب را رسانه های بین المللی و مافیای رسانه ای وارونه جلوه دادند، امروز دیگر چنین چیزی با موج وسیع گزارشها و مشاهدات خود فعالین و خود قربانیان پاسخ میگیرد. واقعیت اینست که در دنیای امروز نیمه بشریت بدلیل جنسیت و بدلیل اینکه سیستم

"یک میلیارد نه به خشونت" در روز ۱۴ فوریه یک بروز بسیار جالب این جنبش نوین بود. میلیونها زن در سراسر جهان به خیابانها رفته و با رقص و با تجمع و شادی اعلام کردند که دیگر به بردگی جنسی تن نمیدهند. این یک واقعه مهم بود. این بخش زنان جنبش ۹۹ در صد بود.

ما در این دوره با یک جنبش نوین زنان روبرو هستیم که به همه چیز کار دارد، تابوشکن است و علیه سیستم، حکومتها، اسلام سیاسی و همه مذاهب است. از جنبش فم عنوان بخشی از این جنبش نوین می توان نام برد. درست برخلاف فمینیست های منزوی و طرفدار نسبیت فرهنگی، بر خلاف چپهای طرفدار اسلام سیاسی و ضد امپریالیست که در دوره جنگ تروریستها، ندیدند که یک موضوع مهم در این دوره موقعیت زنان و حمله لجام گسیخته و وحشتناک به زنان در کشورهای اسلام زده است، و با چشم بستن بر حجاب و سنگسار و قوانین شریعه، بی ربطی خود را به دنیا و به معضل زنان نشان دادند و امروز بیش از پیش منزوی شده و به حاشیه رانده شده اند. جنبش فمینیستی در سه دهه اخیر با بی توجهی به معضلات پایه زنان بویژه در کشورهای اسلام زده عملاً خود را بی اثر کرد و به حاشیه راند. در حالیکه زنان و میلیونها زن در ایران و افغانستان و سودان و در همین کشورهای اروپایی در جزایر اسلامی که ساخته میشود، برای دفاع از حرمت انسانی خود برای حق حیات خود و برای دفاع از نفس کشیدن و موی خود را آزادانه به دست باد سپردن می جنگیدند، جنبش موسوم به جنبش فمینیستی که دورانی قدر قدرت بود، عملاً در کنار سیستم و دولتها و در کنار طرفداران نسبیت فرهنگی ایستاد و مشغول روزمرگی سیاسی

شد.

زنان و مردانی پیشرو با بجان خریدن مصائب و مشکلات در مقابل فتواها و احکام اسلامی بپا خاسته و جنگیدند. ما گفتیم که جنبش اسلامی با حمله به زنان آغاز میکند و گفتیم که این جنبش ساخته دست و در جهت منافع دولتهای غربی و امریکا و سرمایه داری است، گفتیم که مسئله زنان به مرکز سیاست جهان در طول چند دهه اخیر رفته و گفتیم که حجاب و سنگسار و زن ستیزی و جدا سازی جنسیتی نه فرهنگ بلکه مهمترین موضوع سیاست در این مناطق است. ما علیه راسیسم وارونه جنگیدیم و اکنون با دور جدید از مبارزات زنان روبرو هستیم. زنانی که از نسل قبلی فاصله گرفته و سنت می شکنند. در صف اول این مبارزه زنان ایران قرار گرفته اند که بعد از ۳۴ سال سرکوب، اختناق، شکنجه و سنگسار، در مقابل سیستم قدرتمند و مهیب مذهب و زن ستیزی ایستاده و آنرا مستاصل کرده اند. جنبش میلیونی جوانان و مردان در ایران در سال ۸۸ و انقلاب نسل فیس بوک و اعتراضات میلیونی جوانان مدرن و سنت شکن مصر و تونس علیه دیکتاتورهای قبلی و علیه دست اندازی جنبش اسلامی به انقلاب و مقدرات مردم در این روزها، سوت پایان نسبیت فرهنگی را به صدا در آورد. ادامه این صف را باید در اروپا دید که گروه فم پرچمدار آن بوده و قوانین و سنن مردسالارانه را به چالش میکشد. زنان عربی که به مذهب و کلیسا و اسلام و جنبش اسلامی و حجاب و سکنه محمدی آشتیانی و تن فروشی در همه جای اروپا و به همه چیز کار دارند. زنانی که از سر نسبیت فرهنگی به مسائل نگاه نمیکنند. این جنبشی که اکنون جهانی شده و توانسته است توجه ها را بخود جلب کرده است.

من در اینجا در مورد ۱۴ نوامبر امسال نیز باید بگویم. یک زن امریکایی ۱۵ سال قبل گفت که از هر سه زن در دنیا یک نفر خشونت جنسی و یا تجاوز را در زندگیش تجربه کرده و این زنان اگر به خیابان بیایند یک میلیارد نفر هستند. امسال این فراخوان و این آرزو تا حدودی عملی شد. جنبشی بنام "یک میلیارد نفر به پا می خیزند" راه افتاد و در بیش از ۱۹۰ کشور جهان زنان و مردان به این حرکت پیوستند. حرکتی که زنان افغانستان و آمریکا و آلمان و فیلیپین و تونس و ۱۸۵ کشور دیگر را در یک صف متحد قرار داد. بعد از مدتها سکون و رکود در جنبش زنان در دنیا این یک حرکت توده ای و بزرگ بود. در همین شهر کلن که من در میتینگ بودم در یک نقطه بیش از ۷۰۰ نفر آمده بودند و مردان جوانی را هم دیدم که با آنها همراهی میکردند اما اکثر این ۷۰۰ نفر زنان بودند.

انترناسیونال: شما نقش زنان در انقلابات موسوم به بهار عربی را چگونه می بینید؟ ممکن است در اینباره بیشتر توضیح بدهید.

مینا احدی: بنظر من اکنون یعنی در آستانه هشت مارس ۲۰۱۳ زنان مصر و تونس پرچم مهمی را در دست دارند. زنان مصر بعد از سرنگون کردن مبارک بلافاصله به خیابان رفته و علیه مرس و حکومت اسلامی و شریعه در این کشور می جنگند. این بسیار مهم است. در کشوری که بعد از انقلاب دولتهای غربی و امریکا با میلیاردها دلار پول میخواهند دم و دستگاه سرکوب قبلی را دست نخورده نگه داشته و این بار با اسلام رام شده و با شریعه کنار بیایند، زنان از موجودیت خود دفاع

ادامه صفحه ۸

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

مشت زنان مصری زیر چانه دولت مرسى



کیوان جاويد

انقلاب و ضد انقلاب در مصر در مقابل هم سنگر گرفته اند. هر دو سو دست به ماشه اند. مردم در سنگر کرامت انسانی و دولت اسلامی محمد مرسى در سنگر ارتجاع اسلامی. يك ويژگی انقلاب مصر، اما، حضور زنان و خواست بی تخفیف آنان برای برابری و آزاد زیستن و کوتاه شدن دست مذهب از زندگی زنان است. ماه گذشته این رو در روئی بین جبهه انقلاب و ضد انقلاب بیش از همیشه برجسته شد.

دولت محمد مرسى برای کنترل و نهایتاً سرکوب این اعتراضات از تاکتیک های شناخته شده و همچنین تاکتیک های پنهان تری بهره می برد. تاکتیک همیشگی و شناخته شده همان استفاده از نیروی قهریه ارتش و پلیس و نیروهای "خود جوش" طرفدار حکومت است که با کارد و قمه به جان مخالفین می افتند و تاکتیک پنهانتر، استفاده سازمان یافته از نیرو های دوره دیده تر برای تجاوز جنسی به زنان است. گزارشها از مصر نشان میدهد استفاده از تاکتیک تجاوز جنسی که اسلاميون تبحر خاصی در آن دارند به يك سلاح بسیار خطرناک علیه انقلاب و خصوصاً علیه زنان مبارز تبدیل می شود.

"شهادت زنانی که در هفته های اخیر در میدان تحریر قاهره مورد تعرض قرار گرفته اند، تکان دهنده است. در گزارش يك سازمان غیردولتی به زنی اشاره

شده که مورد تعرض جنسی قرار گرفته، و در جریان این حمله، آلت تناسلی اش با استفاده از يك سلاح تیغه دار به سختی مجروح شده است."

روی اینترنت هم تصاویری از این دست پیدا می شوند. در چنین ویدئوهایی که معمولاً با تلفن همراه گرفته می شوند، زنانی دیده می شوند که در جریان تظاهرات ناگهان در محاصره دهها مرد قرار می گیرند، و در حالی که به زور از آنجا برده می شوند، مورد تعرض قرار می گیرند."

فعالان سیاسی مخالف دولت معتقدند که اخوان المسلمین این حملات را سازماندهی می کند و هدف دولت منصرف کردن زنان از حضور در اعتراضات است.

اینکه تجاوز به زنان در بطن اسلام و آموزش های قرآن ریشه دارد موضوعی شناخته شده برای همه ما است. محمد پیامبر اسلام پیشکسوت این آموزش های ضد زن و یکی از با تجربه ترین پراتسین های تجاوزات جنسی است. به این دلیل اخوان المسلمین امیدوار است با بهره بری از این تاکتیک، بخش عقب مانده تر جامعه را تشویق به این نوع

تجاوزات جنسی کند و همچنین زنان معترض را مرعوب و خانه نشین کند. وقتی در جامعه ای زنان مرعوب و منکوب، و کرامت و هویت انسانی آنها لگدمال شده باشد، یعنی همه آن جامعه تحت تعرض ارتجاع و منکوب و فرمانبردار است. جامعه ای خفقان زده و اسیر فقر و حکومت پلیسی. محمد مرسى و جریان اخوان المسلمین با سرمایه گذاری روی این "حلقه ضعیف" می خواهد همان کند که جمهوری اسلامی با زنان ایران کرد. تاکتیک ها یکی است. از روی نسخه حکومت اسلامی در ایران و با تجارب قوی از آموزش های اسلامی، در مصر بعد از انقلاب نیز توسط اسلاميون مورد بهره برداری قرار می گیرد.

اگر ارتجاع اسلامی در مصر از حکومت اسلامی در ایران کپی برداری می کند. زنان مصری نیز می توانند از مقاومت و مبارزه و آزاد اندیشی زنان ایران و پس زدن همه مظاهر اسلامی از زندگی شخصی و خصوصی خود درس های فراوانی بگیرند.

(يك نکته مهم: وقتی علیا المهدی عربیان در برابر جهانیان قرار گرفت و علیه اسلاميون

ایستاد، با تاسی از این حرکت نوین، موجی از اعتراض عربیان زنان ایرانی نیز شروع، و فوراً به يك واقعه مهم در مدیای رسمی و اجتماعی تبدیل گردید و توجه بخش عظیمی را در ایران و جهان بخود جلب کرد. همچنین زمانی که زنان مصری می گویند اگر دولت مرسى کنار نرود، لخت به خیابانها خواهند آمد، زنان ایرانی باید این تجربه زنان مصری را بکار ببرند و در تظاهرات ها موثرتر مظاهر و پوشش اسلامی را مورد حمله و هجوم قرار دهند).

مشت محکم زنان بر چانه دولت ارتجاع در مصر

ویژگی حائز اهمیت در مصر حضور قدرتمند زنان در صحنه سیاست و تغییر اوضاع به نفع خود و انقلاب است. زنان به قوانین اسلامی یورش آورده اند. گفتند نمی خواهیم تن به بردگی و ذلت اسلامی بدهیم. خواهان حق خود هستند. می خواهند آزاد باشند. اسلام و مذهب را در زندگی خود پس می زنند. تهدید کرده اند که اگر دولت مرسى کنار نرود لخت به خیابان می ریزند و تظاهرات می کنند. دارند علناً می گویند ترسی

از باور های عقب مانده که دولت اسلامی مرسى به آن پایبند است، ندارند. دارند نشان میدهند که دنیای متمدن هم مدافع آنها است. زنان مصری پیشقراول يك انقلاب جنسی علیه همه ارتجاع مذهبی ضد زن شده اند. زنان مصری نمی خواهند خانه نشین باشند. نمی خواهند در پستو بمانند تا سرنوشت آنها را ملاها و مکلاهای اسلامی رقم بزنند. نمی خواهند زن دوم و سوم يك مرد مسلمان یا غیر مسلمان باشند. می خواهند برابر با مردان باشند. اما نه برابری در فقر و بدبختی و فلاکت. بلکه برابری در استفاده از همه مواهب زندگی و احترام برابر در قانون و در زندگی فرهنگی و اجتماعی. انسانهایی برابر. انقلاب در مصر برای کرامت و هویت انسانی بود و دولت فعلی قرار است سدی در این راه باشد. مردم مصر و زنان در سنگر نخست دارند علیه این سد اسلامی بسیج می شوند. باید با توان بیشتر و با قدرت صد چندان از انقلاب علیه ضد انقلاب حاکم دفاع کرد. پیروزی زنان مصری علیه ارتجاع، پیروزی جبهه انقلاب در یکی از مهمترین سنگر های آن در کل منطقه است.*



Reuters

تشکلهای دست ساز حکومتی و طومار حمایت از مرتضوی



شلا دانشفر

از صفحه ۱

کارگران و سایر حقوق بگیران تامین شده، دعواهای حادی در درون حکومت جریان دارد. از طرف دیگر بخاطر نقش مستقیم مرتضوی در جنایات متعدد که حتی در درون نظام هم شاکی خصوصی دارد و زیر فشار اعتراضات مردم، این موجود کریه برآستی روی دست رژیم مانده است. در چنین وضعیتی این تشکلهای رژیم در کنار جناحی از حکومت به دفاع از مرتضوی برخاسته و برایش طومار جمع کردند. معنای آشکار چنین اقدامی به روشنی دفاع از جنایات حکومت در کهریزک و سرکوبگری های آن است.

نفس این ماجرا يك بار دیگر جایگاه کثیف و جنایتکارانه این تشکلهای رژیم را نشان میدهد. نقش سرکوبگرانه این تشکلهای دست ساز دولتی را کارگران از همان آغاز شکل گیری آنها، تجربه کرده اند. نقشی که امروز از زبان دست اندرکارانشان میشنویم و خودشان به روشنی به آن معترفند. نمونه آن اظهارات وقیحانه اولیا علی بیگی رییس کانون عالی شوراهای اسلامی و غلامرضا خادمی زاده رییس کانون انجمن های صنفی رژیم در گفتگو با ایلنا در همین هفته اخیر است. اولین سوال در این گفتگو مربوط به جمع آوری طومار حمایتی از مرتضوی جلا است. همه خبر داریم که

چگونه زیر فشار اعتراض جامعه و در دل نزاعهای درون حکومت که به شدت بالا گرفته است، کار مرتضوی به زندان و به محاکمه کشیده شده است. اکنون و بدنال این ماجراها میتوان به روشنی دید که همین تشکلهای کارگری حکومتی که در حمایت از مرتضوی امضا جمع کرده اند، چگونه به مخمصه افتاده و در توضیح کارشان به لکت افتاده اند.

در این گفتگو خادمی زاده در پاسخ به سوال در باره این طومار با اعلام اینکه خودش از مخالفین مرتضوی بوده است، تمام دفاعش از کاری که صورت گرفته اینست که وقتی فردی به ریاست سازمانی منصوب میشود، نادرست است که با وی مخالفتی شود. علی بیگی نیز با گفتن اینکه مگر جمع کردن طومار جرم است، تحت عنوان اینکه جمع آوری طومار توسط مراجع قانونی با جمع آوری طومار توسط افراد ناشناخته متفاوت است، هماهنگ کنندگان طومار کارگران بر سر خواست افزایش دستمزد با سی هزار امضا را زیر حمله قرار میدهد. دلیلش هم به روشنی اینست که اینان بطور واقعی از جلو آمدن کارگران با خواست افزایش دستمزد، که خواست کل جامعه است وحشت دارند. علی بیگی میکوشد با منکر شدن گرد آمدن سی هزار کارگر با اسم و رسم خود بر سر خواست افزایش دستمزد، رهبران این حرکت را زیر فشار و حمله خود قرار دهد. بویژه اینان اقتصاد فرو ریخته حکومت را می بینند و از جلو آمدن کارگران و کل جامعه، آنهم در شرایطی که صفوف رژیم بیش از هر وقت در هم ریخته است، وحشت دارند. اینان با این سخنان دارند نقش واقعی شان را ایفا میکنند. همان نقشی که در گفتگو با ایلنا بر آن تاکید کرده اند و به گفته خودشان حفظ نظام از ادای "نماز" نیز واجب تر است. این

ترس و وحشت را در ادامه اظهارات خادمی زاده و کرم بیگی در گفتگو با ایلنا به روشنی میتوان دید. خادمی زاده در ادامه سخنانش میگوید: "اساسا به دلیل نابرابری عرضه و تقاضا در بازار کار، کارگران گوش به حرف ما نمی دهند. ما برای چه کسی اعتراض کنیم؟ اعتراض برای ۵۷ درصدی که با حقوق زیر حداقل دستمزد کار می کنند؟"

علی بیگی نیز تحت عنوان "شرایط نامطلوب اقتصادی کشور" حرکت اعتراضی کارگران با سی هزار امضا را زیر باد حملات خود قرار داده و میگوید: "ما باید به سمت آرامش در کشور حرکت کنیم و نباید به دنبال تنش در محیط های کارگری باشیم. اگر آقایان و خانمهایی که این امضاها را جمع آوری کردند دارای ماهیت روشنی بودند باید قبل از ارسال نامه به وزیر کار و نمایندگان مجلس، آن را به نمایندگان رسمی جامعه کارگری ارائه می دادند. همه باید سعی کنند از طریق تشکلهای رسمی کارگری اقدامات خود را جلو ببرند. وقتی کارگران نمایندگان رسمی خود را انتخاب کردند اساسا چه نیازی به جمع آوری امضا است؟"

علی بیگی در سخنانش به وضع بد اقتصادی کشور اشاره میکند و بعد نیز تمام حرفش اینست که برای حفظ "آرامش در کشور" باید چنین طومارهایی از کانال این حضرات صورت میگرفت. او در این سخنان آشکارا اشاره اش به خطر "تنش در کارخانجات" است. دلیلش هم به روشنی اینست که خودشان به روشنی میدانند که خواست افزایش دستمزدها، خواست تنها این سی هزار کارگر و یا کارگران سندیکای واحد و غیره نیست که با بیانیه ها و طومارهایشان در جلوی صف اعتراض کارگران و کل جامعه قرار گرفته اند، بلکه خواست همه

کارگران و همه مردم است. علی بیگی با ناشناخته خواندن هماهنگ کنندگان طومار بر سر دستمزد، که سی هزار کارگر با اسم و رسم امضایشان را زیر آن گذاشته اند، میکوشد زیر کل این حرکت اعتراضی بزند و آنرا انکار کند. ترس اینان از فضای انفجاری کل جامعه است و خطر "شورش گرسنگان" به کابوس شب و روزشان تبدیل شده است.

از همین روست که سخن آخر او و خادم زاده نیز به مسئله حفظ نظام منتهی میشود. وقتی هم بحث بر سر تعیین میزان حداقل دستمزد کارگر است، همه تلاششان اینست که بار اقتصاد فرو پاشیده شان را هر چه بیشتر بر دوش کارگران و کل جامعه خراب کنند.

با چنین رسالتی است که تشکلهای رژیم ساخته و جانورانی نظیر علی بیگی و خادمی زاده به عنوان "نمایندگان تشکلهای کارگری" عضوی از شورایی عالی کار رژیم اسلامی اند. سران همین تشکلهای رژیمی نیز هستند که امسال نیز مثل هر سال تحت عنوان "جامعه کارگری" و با بازی مسخره سه جانبه گریشان که يك طرف آن دولت و کارفرمایان و يكطرفش خودشان هستند، در شورایی عالی کار رژیم اسلامی نشسته اند و بر سر نرخ حداقل دستمزد کارگران دارند گمانه زنی میکنند. همگی آنها دست در دست هم در سخنانشان دارند از توطئه ای دیگر برای تحمیل فقر و فلاکتی بیشتر بر کارگران و کل جامعه خبر میدهند. از جمله درباره سید هزینه دو هزار و سیصد هزار تومان يك خانوار ۴ نفره کارگری و نرخ بالای قیمتها صحبت میکنند و بعد با بیشرمی تمام تحت عنوان وضع بد اقتصادی کشور به افزایش احتمالی سطح دستمزدهای زیر خط فقر کنونی تا سقف ۴۶۰ هزار تومان اشاره میکنند.

روشن است که کارگران به این یاوه گویی ها گوششان بدهکار

نیست. روشن است که کارگران به این بردگی تن نخواهند داد. کارگران بارها و بارها با بیانیه هایشان و با نامه های اعتراضی شان اعلام داشته اند که شورایی عالی کار را به رسمیت نمی شناسند. اعلام کرده اند که هیچکدام از این تشکلهای دست ساز حکومتی را به رسمیت نمی شناسند. اعلام کرده اند که نه به دولت و نه به شورایی عالی کارش اجازه تصمیم گیری بر سر زندگی و معیشتشان را نمیدهند. کارگران برخواست تعیین میزان حداقل دستمزدها توسط نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگری تاکید کرده اند. اینها همه تاکیدات و خواسته های کارگران در همین کارزار بر سر خواست افزایش دستمزدها با سی هزار امضا است. اینها همه خواسته ها و موضوع اعتراض کارگران سندیکای واحد و بیانیه های دیگر تشکلهای کارگری چون انجمن برق و فلز کرمانشاه و کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری است. اینها حرف دل همه کارگران است. بر متن چنین اعتراضات گسترده ایست که امروز می بینیم تشکلی چون اتحادیه آزاد کارگران، تشکلی که مبتکر شکل دادن به اعتراضی متحد با خواست افزایش دستمزدها با سی هزار امضا است، بر خواست افزایش فوری دستمزدها در قدم اول به میزان يك میلیون و پانصد هزار تومان تاکید میگردد و میگوید که اگر دستمزد کارگران باز به روال سالهای قبلی تعیین شود، کارگران به آن تن نخواهند داد و برپایی تجمعات اعتراضی را حق خود میدانند.

بدین ترتیب همه چیز حاکی از يك کشاکش داغ بر سر مساله دستمزد و بر سر زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه است. سخنان علی بیگی و خادمی زاده و نقش تاکنونی تشکلهای دست ساز دولتی به روشنی رو در رویی و

کمبود آب و حمله مردم به نهاد های جمهوری اسلامی



بهروز مهربادی

زاینده رود به خاطر ای تبدیل شده است. در استان اصفهان ده هزار خانواده که قوت لایموتشان به درآمد ناچیز کشاورزی بسته است، بخاطر کمبود آب هستی خود را از دست داده اند و به فقر و فلاکت کشیده شده اند. از سوی دیگر آب آشامیدنی بیشتر شهرهای مهم استان یزد و همچنین آب مورد مصرف صنایع این استان با آبی تامین می شود که از کوه‌رنگ به این شهرها انتقال داده میشود. آبی که قبلاً به زاینده رود می ریخت.

اعتراضات مردم و کشاورزان اصفهان و تجمع ها و مراجعاتشان به نهادهای رژیم بجایی نرسید. جمهوری اسلامی پس از اجرای طرحهای احمقانه خود کاری از دستش ساخته نیست. روز ۴ اسفند تعدادی از کشاورزان منطقه ورزنه و خوراسگان اصفهان به خط لوله انتقال آب به استان یزد، حمله کرده و آن را شکسته و مانع تعمیر آن شدند. حمله گارد های ویژه به مردم ورزوان در روز ۹ اسفند با پاسخ محکمی روبرو شد. مردم سه اتوبوس حامل نیروهای ویژه را به آتش کشیده و آنها را فراری دادند. مزدوران رژیم به مردم تیراندازی کردند. تعداد زخمی های مردم بیش از ۴۰۰ نفر گزارش شده است. گفته میشود ۵ نفر از مردم کشته شده اند. بر اساس گزارشات منتشر شده مردم خوراسگان به یک پایگاه بسیج و حوزه علمیه حمله کرده اند. رژیم نیروهای امنیتی خود را به منطقه

اعزام کرده و تعدادی از مردم را دستگیر و فضای امنیتی و رعب بدنبال شکسته شدن خط لوله انتقال آب بیش از ۶۰۰ هزار نفر از مردم یزد آب آشامیدنی ندارند. صف های طولانی مردم در مقابل تعداد اندک تانکر های آب آشامیدنی تشکیل شده است. مردم یزد نیز معترضند و خواستار تامین آب آشامیدنی خود هستند. طرحها و پروژه های جمهوری اسلامی فقط برای تامین منافع غارتگرانه سرمایه داران و مقامات رژیم است. انتقال آب کوه‌رنگ به استان یزد از آن نمونه است. این طرح بیش از هر چیز در خدمت مقاطعه کاران، زمین خواران، بساز و بفروش ها و صنایعی بوده است که اغلب در تملک نهادها و سرمایه داران بزرگ اسلامی هستند. در این طرح نه تامین زندگی کشاورز اصفهانی

در نظر گرفته شده است و نه احتیاجات کارگران و مردم عادی یزد. از همان ابتدا معلوم بود که اجرای طرح انتقال آب کوه‌رنگ به یزد صدمات جبران ناپذیری به مردم و کشاورزان اصفهان و به محیط زیست منطقه و در دراز مدت حتی به زندگی مردم استان یزد می زند. جبران این صدمات به آسانی میسر نیست و با وجود رژیم غارتگر و سرکوبگر جمهوری اسلامی و با حاکمیت سرمایه، امکانپذیر هم نیست. جمهوری اسلامی تلاش می کند مردم این دو منطقه را در مقابل هم قرار دهد اما واقعیت این است که بخش ناچیزی از هزینه ارگانهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و غارتگری های آیت اله های میلیاردر و سرداران سپاه، می توانست راههای مناسب علمی و بهترین شیوه استفاده از منابع آب و تامین احتیاجات مردم اصفهان و یزد را فراهم

سازد. اما عملی کردن این راهها در تناقض با منافع و غارتگری های سرمایه دارانی است که بجز غارت و چپاول به چیز دیگری فکر نمی کنند. خشم و نفرت مردم بیش از هر چیز باید متوجه نظامی باشد که مسبب تمام این نابسامانی ها است. مردم منطقه به درستی ارگانهای رژیم را هدف قرار داده و به آنها حمله کرده اند. بازسازی خرابی هایی که جمهوری اسلامی به زندگی مردم و محیط زیست زده است و تامین نیاز مردم این مناطق به آب کشاورزی و آب آشامیدنی فقط از طریق دخالت مستقیم مردم، ایجاد شوراهای مردمی و همفکری و همکاری آنها برای پیدا کردن و عملی ساختن راه حل های علمی استفاده از منابع آب و کوتاه کردن دست سرمایه داران از این منابع است. پیش شرط چنین اقدامی فقط سرنگونی جمهوری اسلامی است.*

تشکلهای دست ساز حکومتی و طومار حمایت از مرتضوی

از صفحه ۵

تقابل آنان را با کارگران و کل جامعه نشان میدهد. ادامه سخنان علی بیگی و خادمی زاده در گفتگو با ایلنا در همین رابطه بیش از بیش جایگاه و نقش کثیف این تشکلهای رژیمی و ارگانهای سرکوب کارگران را مقابل چشم جامعه میگذارد. علی بیگی در این گفتگو در پاسخ به سوال ایلنا تحت عنوان اینکه برخی فعالان کارگری بر ناکارآمدی این "تشکلهای کارگری" در مذاکرات "سه جانبه شورای عالی کار" برای تعیین حداقل دستمزد اشاره دارند، میگوید: آقایان چگونه در مورد عملکرد ما قضاوت می کنند؟ ما در شرایطی هستیم که

محدودیت‌هایی برای نظام ایجاد شده است. بنده علی بیگی ابتدا سرباز ولایت هستم و در مرحله دوم از حقوق کارگران دفاع می‌کنم. حفظ نظام از خواندن نماز هم واجبتر است. همچنین خادمی‌زاده در پاسخ به این سوال میگوید: "تشکل‌های رسمی کارگری اساساً در راستای حفظ نظام تاسیس شده‌اند. ما زمانی از حقوق کارگران دفاع می‌کنیم که متضمن حفظ نظام باشد". اینجا دیگر علی بیگی و خادمی زاده حرف آخرشان را میزنند. اینان تشکلهایی برای حفظ نظام هستند و از همان بدو تاسیساتشان با همین وظیفه تشکیل شده و به گفته خودشان به عنوان "سربازان ولی فقیه" در خدمت نظام

سرمایه کار کرده و همچون سربازان مومن رژیم انجام این وظیفه برایشان از "نماز" نیز واجب تر است. طومار حمایت از مرتضوی را نیز باید در راستای ایفای همین نقش از جانب آنان دید. اظهارات علی بیگی و خادمی زاده در عین حال بیبیش از هر چیز استیصال این جنابان را در مقابل جنبش اعتراضی کارگری که هر روز جلوتر می آید به نمایش میگذارد. می بینیم که چگونه فریادشان از اینکه هیچ مکان و اعتباری در میان کارگران ندارند و کارگران آنها را به رسمیت نمی شناسند، بلند است. این نهادهای دولتی نه تنها هیچ جایگاه و اعتباری در میان

کارگران نداشته اند بلکه ارزش مصرفشان حتی در درون خود حکومت نیز به پایان رسیده است. باید بساط شوراهای اسلامی و همه تشکلهای دست ساز حکومتی را جمع کرد. باید دست شوراهای اسلامی و حراست و همه ارگانهای سرکوب رژیم از محیط های کار کوتاه شود. پاسخ دندان شکن کارگران به مزخرفات مزدورانی چون بیگی و خادم زاده، باید پیوستن هر چه گسترده تر به تشکلهایی چون اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه و دیگر تشکلهای کارگری باشد، که به همت خود کارگران شکل گرفته اند. پاسخ دندان شکن به مزخرفات آنان باید پیوستن هر چه گسترده تر به کارزاری باشد که سی هزار کارگر با خواست افزایش فوری دستمزدها و در قدم اول یک

میلیون و پانصد هزار دورش جمع شده اند. پاسخ کارگران باید پیوستن به طوماری باشد که کارگران سندیکای واحد در اعتراض به دستمزدهای زیر خط فقر انتشار داده اند و نیز پیوستن به اعتراضات گسترده ای باشد که بر سر خواست افزایش دستمزدها به راه افتاده و هر روز وسیعتر به جلو میرود. خلاصه کلام اینکه کارگران و مردم ایران سالهاست که فرمان به رفتن این رژیم داده اند. رژیم اسلامی با همه دار و دسته هایش، با همه تشکلهای دست ساز و ارگانهای سرکوبش، با همه قوانین ارتجاعی اش و با کل بساط سرکوب و زندان و اعدامش باید گورش را کم کند. این پاسخ کارگران به مزخرفات امثال علی بیگی، خادمی زاده و همه دار و دسته های آنانست.*

ویژگیهای جنبش نوین رهائی زن مصاحبه با حمید تقوایی

از صفحه ۲

حکمت انقلاب ایران را انقلابی زنانه مینامد. به این معنی مشخص انقلاب زنانه ویژه شرایط ایران است. اما به يك معنی پایه ای تر میتوان امروز این اصطلاح را برای جنبش نوین و جهانی زنان نیز بکار برد. در این چارچوب انقلاب زنانه به معنی رادیکالیسم و عمق و نقد ریشه ای این جنبش به مساله ستمکشی زن در دنیا است. همان خصائلی که در بالا به آن اشاره کردم نظیر خصلت ضد مذهبی این جنبش، اعتراض به بردگی جنسی و موقعیت زن بعنوان کالای جنسی، و مقابله و تابوشکنی علیه اخلاقیات و نرمها و سنن مذهبی و شونیبستی، شکل و شیوه اعتراض عریان و غیره جنبش نوین زنان را به يك حرکت انقلابی، حتی به معنی انقلاب در مضمون و شیوه های تاکتونی مبارزه برای آزادی زن، تبدیل میکند. به این معنی عام ما شاهد يك "انقلاب زنانه" در سطح جهان هستیم.

انترناسیونال: بعضی از احزاب و نیروهای سیاسی مطرح می کنند که مشکلات زنان به روش سیاسی حل نمی شود و استدلال می کنند که در این مورد باید در جامعه کار فرهنگی و روشنگری کرد و یا اینکه استدلال می کنند پرداختن به مسائل زنان موجب تحریک نیروهای مذهبی میشود، نظر شما در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: این نکته آخری یعنی تحریک نیروهای مذهبی را نباید زیاد جدی گرفت. این را بیشتر باید جزئی از تبلیغات آخوندی دانست تا يك

نظریه مصلحت گرایانه. هر فرد آشنا با سیاست میداند که ارتجاع برای سرکوب و لگدمال کردن حقوق زنان، و کلا حقوق توده مردم، نیازی به تحریک شدن ندارد. آنچه میتواند ارتجاع را جری تر و افسار گسیخته تر کند همین نپرداختن به مساله ستمکشی زن و حتی فرعی و حاشیه ای قلمداد کردن آنست. به نظر من اگر زنان ایران در همان بدو بقدرت رسیدن حکومت اسلامی حجاب را - بخاطر عدم تحریک حکومت و یا هر علت دیگری - میپذیرفتند امروز شاهد چادر و روبنده و مقنعه اجباری در ایران بودیم.

اما نکته جدی تر نظریه ای است که حل مساله زنان را امری فرهنگی میداند و نه سیاسی. این نظریه را در مورد خیلی از مسائل دیگر نیز مطرح میکنند، مثلا اینکه علیه مذهب و یا حتی علیه سرکوب و دیکتاتوری باید مبارزه فرهنگی و روشنگری کرد. و یا تا کار فرهنگی صورت نگیرد مبارزه سیاسی بجائی نمیرسد و غیره. معمولا هم این نوع نظرات را بعنوان يك بررسی عمیق و ریشه ای از مسائل جامعه عنوان میکنند. به نظر من "عمق" چنین نظراتی از يك میلیمتر فراتر نمیرود. رویه دیگر این تز "کار فرهنگی" این نظریه آشکارا ارتجاعی است که مساله زن، سرکوب و دیکتاتوری و کلا مسائل مبتلابه جامعه ریشه در فرهنگ و باورهای مردم دارد و باید ابتدا این فرهنگ و باورها را عوض کرد. همین نظریه است که حجاب و یا قتلهای ناموسی را جزئی از فرهنگ اسلامی مردم میداند و یا معتقد است مردم ایران دیکتاتور پرور هستند و کلا

هر جامعه ای مستحق حکومتی است که دارد. این تنها را باید جزئی از زرادخانه ارتجاع در مقابل جنبشهای اعتراضی مردم بحساب آورد. مذهب، بیحقوقی زن، اختناق و سرکوب و دیکتاتوری و حتی فرهنگ و اعتقادات خرافی و عقب مانده همه و همه پدیده های سیاسی هستند که در همه کشورها بوسیله طبقه حاکمه حفظ و بازتولید میشوند. نه تنها قوانین و مناسبات و انواع تبعیضات و مصائب مبتلابه مردم بوسیله ماشین دولتی در همه جوامع پاسداری میشود، بلکه حتی فرهنگ مسلط بر جوامع نیز فرهنگ طبقه مسلط است که امروزه با استفاده از رسانه ها در جامعه اشاعه داده میشود. لذا برای هر نوع دگرگونی در وضعیت موجود، حتی برای کار فرهنگی عمیق و پایدار، باید اول از طبقه حاکمه خلع ید کرد. ازینرو روشن است که مساله زن نیز، مانند دیگر مسائل مردم، اساسا و قبل از هر چیز مساله ای سیاسی است. همانطور که برای رهائی مردم از شر مذهب باید ابتدا دست مذهب را از حکومت و قوانین کوتاه کرد، برای رهائی زن نیز باید دولت و طبقه حاکمه پاسدار تبعیض جنسی را کنار زد. روشنگری و کار فرهنگی علیه این پدیده ها از همین امروز لازم است اما بعنوان جزئی از مبارزه سیاسی علیه حکومتهای مذهبی و ضد زن. کنار زدن این حکومتها اولین گام برای روشنگری و کار فرهنگی گسترده و رهائی فکری جامعه نیز هست. مشخصا در ایران آزادی زن تماما به سرنگونی جمهوری اسلامی گره خورده است و هر نوع کوشش برای موکول کردن این امر به بعد از کار فرهنگی خود عملا و آگاهانه یا ناآگاهانه يك حرکت

سیاسی برای حفظ وضع موجود است. *انترناسیونال:* نیروهای سیاسی هم هستند که معتقدند مسئله زن مسئله مهم و میرم جامعه نیست، باید به مسائل مهمتری بطور مثال به مشکلات طبقه کارگر پرداخت در این مورد چه می گوئید؟

حمید تقوایی: من نمیدانم اگر مساله مبتلابه پنجاه درصد جامعه مهم و میرم نیست چه مساله ای را میتوان مهم و میرم دانست؟! ظاهرا این بی توجهی به مساله زنان از فرط علاقه به مسائل کارگری - آنهم البته فقط مردان کارگر - صورت میگیرد. اما به نظر من نیروهائی که این نظریه را دارند نه مشکلات طبقه کارگر را میشناسند و نه مسائل زنان را.

طبقه کارگر صرفا يك نیروی تولید کننده نیست که گویا بجز استثمار و کارمزدی و یا شرایط فروش نیروی کار مشکل دیگری ندارد. این زاویه نگرش طبقه سرمایه دار به کارگر است. کارگر يك طبقه اجتماعی است که کل مسائل و مصائب در جامعه از سلطه مذهب تا دیکتاتوری و نبود آزادیها و بخصوص تبعیض جنسی مستقیما به او مربوط میشود. کارگر نه تنها بعنوان يك شهروند از این مسائل در رنج است بلکه در مصائب نیز جایگاه ویژه و تعیین کننده ای دارد. ریشه همه مصائب زمانه ما، از جمله تبعیض نسبت به زنان، در نظام سرمایه داری است. ریشه مذهب و بیحقوقی زن در قرن بیست و یکم دیگر سلطه اربابان زمیندار و نظام فئودالی و قرون وسطائی نیست بلکه سلطه طبقه سرمایه داراست. علت پایه ای حفظ و بازتولید این مسائل

همزاد تاریخ بشری در عصر ما نظام سرمایه داری بازار آزاد است که امروز در چارگوشه دنیا بساط استعمار و سودآوری خود را پهن کرده است. افسار گسیختگی جنبش اسلام سیاسی، بریائی بساط مساجد و دادگاههای شریعه و قتلهای ناموسی حتی در دل اروپا، اسلحه کشیدن به روی دانش آموزان دختر در افغانستان، و حجاب و آپارتاید جنسی در ایران همه و همه در سرمایه داری بازار آزاد قرن بیست و یکم ریشه دارد. اینها جزء مکمل مکتب شیکاگو و ریاضت کشی اقتصادی و جزئی از "راه حل" سرمایه داری بحران زده برای تامین سودآوری بیشتر است. از این نقطه نظر نیز نه تنها تمام این نوع تبعیضات و بیحقوقی ها به کارگر مربوط است بلکه تنها با بسیج کل جامعه زیر پرچم مبارزه ضد کاپیتالیستی طبقه کارگر است که میتوان شر این مصائب را یکبار برای همیشه از سر جوامع بشری کم کرد.

انترناسیونال: موقعیت جنبش زنان در ایران امروز را چطور میبینید؟ وزن و ثقل این جنبش در جامعه ایران چقدر است و چه رابطه ای با جنبش سرنگونی طلبانه و انقلاب در ایران دارد؟

حمید تقوایی: تبعیض علیه زنان و جنبش برای رهائی زن يك خصوصیت برجسته شرایط سیاسی ایران است. فرودستی و بیحقوقی زن در ایران اولاً بسیار شدید و وسیع است و ثانيا امری رسمی و قانونی و دولتی است. زنان رسماً و قانوناً از بسیاری از ابتدائی ترین حقوق انسانی شان، از تفریح و ورزش و معاشرت آزادانه گرفته تا آزادی پوشش و تا حق طلاق و حضانت از فرزندان و ارث و میراث و شهادت و قضاوت و غیره یا کلا

ادامه صفحه ۸

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

زنان در مرکز سیاست جهان مصاحبه با مینا احدی به مناسبت ۸ مارس

از صفحه ۳

تجربه خونین ما زنان در ایران و افغانستان و سودان و ... ثابت کرده است که برای امریکا و دولتهای غربی موقعیت زنان و سنگسار و تحمیل حجاب به زنان ادا مهم نیست آنها خواهان آرامش" و سرکوب اعتراضات مردم هستند. و حکومتی میخواهند که بهر قیمت از منافع سیاسی و اقتصادی این دولتها دفاع کند. دورانی از خمینی دفاع کردند و بختکی را بر جامعه ایران سوار کردند که هنوز هم روزانه چند نفر را قربانی میکند تا بمانند و بجایند و دوول فخیمه غربی در نهایت اطلاعیه ای میدهند و میگزنند و امروز میخواهند انقلاب در مصر را در پای جنبش رام شده اسلامی قربانی کنند و زنان را چند ده سال دیگر به زندگی زیر پای جنبش کثیف اسلامی وادار نمایند. مهمترین سنگر مبارزه علیه جنبش اسلامی و علیه قوانین اسلامی و شریعه در این کشورها در جریان است. زنان به درست در مقابل تجاوز به دختر و زن در سالگرد انقلاب در میدان التحریر گفتند این نقشه و کار دولت است. باندهای حزب الهی شبیه به ایران با زنجیر و چاقو به خیابان رفته و مانع شرکت زنان در میتینگها و مانع مبارزه آنها علیه حکومت مرسی و اسلامپها شدند، وقتی دیدند این تشبثات بی فایده است به زنان و دختران در مقابل چشم صدها نفر تجاوز کردند تا نشان دهند که اسلامپها و جنبش اسلامی اول سراغ زن و تن وبدن او میروند اول به او تجاوز میکنند و بقیه را خانه نشین و سپس به همه مردم حمله میکنند.

اما در مصر زنان تجربه ما زنان در ایران را دارند. هفته گذشته در یک پلاکارد در دست یک زن مصری دیدیم که ایران و یک صحنه سنگسار را نشان می داد و بر آن نوشته بود: "ما اینرا نمیخواهیم" این مبارزه از طرف زنان مصر و تونس پاسخ جالبی به طرفداران نسبیت فرهنگی و کسانی است که میگفتند در مصر مردم مبارزه کردند به اسلامپها رای دادند. مبارزات مردم و زنان در مصر و تونس آغاز پایان جنبش اسلامی و راندن این جنبش به سرازیری کامل است. طبعاً تیر خلاص را زنان و مردم ایران به این جنبش زن ستیز و ضد انسان و سر مار اسلام سیاسی یعنی حکومت اسلامی ایران خواهند زد.

انترناسیونال: زنان ایران چه باید کنند و فراخوان شما به آنها چیست؟

مینا احدی: جنبش برابری طلبانه زنان در ایران یک جنبش مهم است. بعد از روی کار آمدن حکومت اسلامی با فرمان خمینی یعنی "یا روسری یا توسری"، نسل من به خیابان رفت و گفت نه روسری، نه توسری! ما انقلاب نکردیم که به عقب برگردیم و گفتیم حقوق زنان نه شرقی است نه غربی، جهانی است. ما را زدند و بسیاری از ما را کشتند، دوستان زیادی دارم که به آنها تجاوز کرده و سپس اعدام کردند.

میلیونها زن و نسل بعد از ما در ایران جانانه علیه این حکومت قرون وسطایی جنگیدند. و بویژه سنگر حجاب و مبارزه علیه حجاب مهم بود چرا که این اولین خاکریز مبارزاتی بین زنان و جنبش های اسلامی است. زنان در ایران در این

عرصه قبل از انداختن حکومت اسلامی، آن را شکست دادند. این مهم بود. در ایران زنان سنت شکن را سنگسار کردند، سنگسار از نظر من یعنی پاسخ حکومت به زنانی بود که این قوانین و این حکومت را نمی پذیرفتند. زن را در ملا عام تکه تکه کردند و بسیاری در دنیا و در ایران حتی از کنار این واقعه و این زخم بزرگ بر تن بشریت، گذشتند. من با افتخار باید بگویم که ما و جنبش ما در این مورد بسیار مسئولانه رفتار کرد. ما در این عرصه جانانه مبارزه کردیم. قبل از انداختن حکومت اسلامی ما در این عرصه بویژه با کمپین بزرگ نجات سکینه محمدی آشتیانی این حکومت و جنبش اسلامی را شکست دادیم. سنگسار بطور دفاکتو الان ممنوع شده و نه فقط در ایران بلکه در دنیا و ما میرویم که اینرا در سطح سازمان ملل ممنوع اعلام کنند.

می بینیم که زنان در ایران علیه حجاب علیه سنگسار علیه جدا سازی جنسیتی، علیه قوانین اسلامی جنگیده و به نوعی حکومت را عاجز کرده اند. شکست جنبش اسلامی در ایران اتفاق افتاده و اکنون در مصر و تونس زنان در حال مبارزه با بخش رام شده و کنار آمده این جنبش با غرب و دولتهای غربی هستند. ما زنان در سنگر دفاع از حقوق و حرمت انسانی زنان ایستاده و داریم عمر یک جنبش ضد زن و جنایتکار و لمپن را به پایان میرسانیم و این بسیار مهم است. زنان ایران باید این موقعیت را دیده و برای پایان دادن به حکومت اسلامی به پا خاسته و دنیا را از شر این جنبش جنایتکار و زن ستیز و ضد انسانی خلاص کنند. فراخوان من به زنان در ایران اینست که باید بلند شد و باید به این دستگاه ستم و سرکوب و بی حرمتی و وقاحت اسلامی پایان داد.*

ویژگیهای جنبش نوین رهائی زن مصاحبه با حمید تقوائی

از صفحه ۷

محرومند و یا حقوقی بسیار کمتر و محدودتری از مردان دارند. این تبعیض و بیحقوقی مفرط و فاحش نسبت به زنان، که در بعد فرهنگی و فضای فکری و گفتمان رسانه های رسمی و دولتی به تحقیر و توهین آشکار به زنان بسط پیدا میکند، با اسلام و احکام کبک زده اسلامی توجیه میشود. حجاب بیرق این توحش علیه زنان و برخورد به زن بعنوان یک کالای جنسی متعلق به مرد (شوهر و پدر و مرد خانواده) یک رکن اساسی آنست. روشن است که بدون خلاصی از شر جمهوری اسلامی رهائی زنان از این شرایط قرون وسطائی امکان پذیر نیست. در ایران رهائی و آزادی زنان به سرنگونی جمهوری اسلامی گره خورده است.

از سوی دیگر این شرایط به یک جنبش وسیع و پیگیر برای آزادی زن شکل داده است که بالاتر به آن اشاره کردم. این جنبش خود یک رکن مهم انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. انقلاب آتی در ایران بخاطر بیش از سه دهه سلطه جهنمی یک رژیم مذهبی و ضد زن، یک خصلت برجسته ضد مذهبی و ضد آپارتاید جنسی خواهد داشت و از همین رو جنبش رهائی زن میتواند بعنوان یک عرصه مهم و یک اهرم موثر در بسیج و گردآوری نیرو برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی عمل کند.

نکته مهم دیگر اینست که جنبش رهائی زن در ایران در واقع یک رکن مهم سکولاریسم و مقابله با مذهب و مبارزه برای

جمع کردن بساط مذهب از دولت و قوانین و سیستم آموزشی و قضائی نیز هست. آپارتاید جنسی و حجاب و کلا بیحقوقی زنان برای جمهوری اسلامی یک امر حیاتی است که مستقیماً به هویت و ایدئولوژی مذهبی حکومت مربوط میشود. به نظر من کلا در هر جامعه ای که نیروهای مذهبی فعال باشند و در حکومت و یا حتی در اپوزیسیون حضور داشته باشند مسائل زنان و جنبش برای آزادی و رهائی زن نقش و ثقل برجسته ای پیدا میکند. به این معنی که از یک جنبش مطالباتی برای تحقق خواستههای معین فراتر میروند و شکل یک حرکت سیاسی ضد مذهبی را بخود میگیرند. امروز در مصر و در تونس شاهد این جایگاه مبارزات زنان هستیم. همچنین در جنبش اعتراض عریان و بجالش کشیدن مذهب بوسیله جنبش نوین زنان - که بالاتر توضیح دادم - این نوع فراتر رفتن از مطالبات خاص و دست گذاشتن به ریشه های مساله زن را مشاهده میکنیم. از این نقطه نظر میتوان گفت خصوصیات جنبش رهائی زن در ایران دارد یک شکل منطقه ای و جهانی بخود میگیرد و این بنویه خود میتواند زمینه مساعدی برای تقویت و گسترش و پیشروی جنبش زنان در ایران فراهم آورد. حزب ما با تمام قوا در این جهت تلاش خواهد کرد.

اینها مهمترین واقعیات سیاسی جامعه امروز ایران است که نشان میدهد در هر تحول جدی در جامعه جنبش رهائی زن نقش برجسته و تعیین کننده ای خواهد داشت.*

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

ناسیونالیسم ایرانی، همیشه طلبکار

یاشار سندی

"مراسم اسکار" با همه ذرق و برقش برگزار شد. دست اندرکاران مراسم بهترین تدارکات را دیدند و مدعوین بهترین لباسهایشان را پوشیدند و روی فرش قرمز به خودنمایی پرداختند. برندگان جوایز هنگام گرفتن جوایز حرفهای نامربوط و مربوط خود را زدند و با ذوق و شوق تمام مجسمه طلایی را به دوربینها نشان دادند. هیچ پرنس و پرنسسی در کار نیست اما مراسم چند ساعته تداعی کننده عروسی هفت شبانه روزی شاهزادگان قصه ها میباشند. امسال "بانوی اول" در مراسم حضور داشت و برنده بهترین فیلم را اعلام کرد و بدین گونه فرصتی دوباره فراهم شد که ناسیونالیسم ایرانی عرض اندامی کند. اگر سال گذشته مشخص شد با اسکار گرفتن فیلم "جدایی نادر از سیمین" فرهنگ ایرانی برترین فرهنگ است و در گوش مردم خواندن که ببین ایرانی تا کجا پیش میرود چون تو ساکن و متولد ایران هستی تحویلت میگردند، امسال از جهت دیگر ناسیونالیسم ایرانی خودش را ثابت کرد که چقدر این ایدئولوژی ضد انسانی است. بر سر همان مردمی زدند که سال پیش مایه مباهات بودند و گفتند و نوشتند "با انتخاب فیلم آرگو من ایرانی باید خودم را شمامت کنم که باعث سوژه يك فیلم ضد ایرانی شدم!" آرگو که بهترین فیلم امسال شناخته شد به گوشه ای از ماجرای اشغال سفارت آمریکا از سوی دولت جمهوری اسلامی پرداخته است. تمام هنر ناسیونالیسم ایرانی این است تا ماجرابی را که يك جریان ضد بشری باعث و بانی اش بوده، به حساب "ملت ایران" بنویسد و توده مردم را مورد شمامت قرار دهد که

"شما با انقلابتان باعث این فاجعه شدید". نمی گویند "پشت ماجرای اشغال سفارت" چی بود. نمی گویند، نه اینکه نمیدانند بلکه نمی خواهند بیان کنند همه آن ماجرا برای این بود که ضد انقلاب اسلامی فرصتی بدست بیاورد و تا بتواند از زیر فشار انقلاب مردم رهایی یابند. ایشان اشاره نمی کنند وقتی خمینی گفت "هر چه فریاد دارید سر آمریکا بکشید" فی الواقع میخواست جریان فاشیست که خود رهبر آن بود را نجات دهد و همان کسانی که شعار میدادند "روح منی خمینی" اکنون خطاب به مردم میگویند باید خود را مورد شمامت قرار داد. امسال برخلاف آنچه میگویند باد از جهت دیگر نوزیده بلکه جایزه دادن به آرگو ادامه اسکار جدایی نادر از سیمین است. نه فیلم جدایی نادر از سیمین گویای حقیقت جامعه ایران نه آرگو. بقولی "اگر موقع جایزه گرفتن فیلم اصغر فرهادی با دیده ای منصف به آن می نگریستیم و هیجان ملی را در اظهار نظر خود دخیل نمی کردیم آن گاه می توانستیم و حق داشتیم اسکار آرگو را نیز سیاسی بدانیم. ولی اکنون پای مان در تحلیل های پیشین گیر کرده و نفی جایزه ی آرگو، نفی جایزه ی جدایی نادر از سیمین نیز خواهد بود." (ف م سخن) کسی مانند فرخ نگهدار که خود در راس جریانی بود که پای دیوار سفارت فریاد میزد "دانشجوی خط امام افشا افشا کن" اکنون که با برجسته شدن این فیلم نقش کسانی به نوعی مانند خود ایشان در سرکوب انقلاب مردم ایران مطرح شده باید هم خزعبلات بهم ببافد که جورج کلونی به عنوان تهیه کننده "همیشه از آزاد اندیشان و لیبرال های حزب دموکرات بوده" که خواستار "ترمیم رابطه با

جریان است که "یقین دارند" توده مردم باید کار کنند و ثروت تولید کنند و هیچی هم نگویند و این بزرگان هستند که "جریان ساز" هستند. جریان اشغال سفارت که بخشی دیگر از همین بزرگان ترتیب دادند را با بی شرمی تمام به حساب توده مردمی میگذارند که به واسطه همین تاکتیک سیاسی سرکوب شدند. جریان اشغال سفارت آمریکا يك جریان ضد انقلابی بود که گویای هیچی نیست جز اینکه ضد انقلاب به هر وسیله ای متوسل میشود تا مردمی که در خیابان هستند را سرکوب کند. آرگو هم ادامه همین جریان است. حقیقت این است که مدام و مرتب باید جامعه "مهندسی" شود و به توده مردم حقه کنند که هیچ نقشی در حرکت جامعه ندارند. دموکراتهای

آزاد اندیش و لیبرال و حزب الله های مومن هر دو بر يك باور هستند فقط شیوه بیانشان فرق میکنند. یکی آرگو میسازد دیگری طوفان شن یکی اسکار برگزار میکنند دیگری جشنواره فجر (گیرم که نقش و وزن این مراسمات و فیلمها بهیچوجه قابل مقایسه نیست)، و کسانی مانند نگهدار همیشه نقش این را داشتند که بر همه این گنده کاریها ماله بکشند و نکته جالب اینجاست که ایشان خود يك سوی ماجرا است و از جنایتی عظیم حمایت کرده است و اکنون طلبکارانه مدعی هم هست. و این شاید پدیده منحصر بفرد ایرانی است شاید هم خاصیت ناسیونالیسم ایرانی است که در هر سنگری باشند طلبکار مردم از کار درمی آیند.*

به نظر من کسی که نظام اقتصادی موجود را بهترین و ممکن ترین نظم می نامد، دارد به توحش خودش اعتراف می کند. واقعیت این است که بویژه با نقد مارکس به سرمایه داری بشریت ضرورت و امکان پذیری يك نظام اقتصادی و اجتماعی برتر را اعلام کرده و حتی خطوط اساسی چنین جامعه ای را ترسیم کرده است. جامعه ای متکی بر برابری و آزادی کامل انسانها، جامعه ای مبتنی بر تلاش خلاقانه همگانی برای تامین نیازهای بشری، جامعه ای که در آن وسایل تولید دارایی مشترك همه مردم باشد. جامعه ای بدون طبقات، بدون تبعیض، بدون کشور و بدون دولت مدتها است که مقدر است. خود سرمایه داری مقدمات مادی این نظام اقتصادی نوین را فراهم کرده است.

مارکسیسم و جهان امروز
منصور حکمت در مصاحبه با انترناسیونال .
اسفند ۱۳۷۰

اعتیاد زنان

فرح صبری

کنند.

این احمقانه ترین تحلیلی است که میتوان برای دلیل رواج اعتیاد در بین زنان یک جامعه مطرح کرد! موضوع اعتیاد زنان یک مساله بسیار ریشه دار جامعه است و نشان از اوج لحام گسیختگی است که امروز در جامعه ایران حاکم است چرا که زنان در جامعه ای چون ایران بدلیل بافت های سنتی و مرد سالار جامعه خیلی تحت تاثیر کنشهای اجتماعی نبودند و کمتر در معرض آسیب های اعتیاد قرار داشته اند و وقتی امروز طبق آمارهای نه چندان دقیقی که در این رابطه داریم حداقل از ۶۰ تا ۱۵۰ هزار زن معتاد صحبت میکنیم اوج فاجعه را میتوان فهمید. زنان در ایران هیچگاه از حمایت های اجتماعی برخوردار نبوده اند اما در سالیان حکومت اسلامی خانواده ها قادر به حمایت از زنان و دختران

اعتیاد بالای خانمانسوزی است که همراه با فقر و فلاکتی که امروز در ایران حاکم است، گریبان بخش بزرگی از مردم را گرفته است و هر روز از آمار میلیونی کسانی که در چنگ اعتیاد افتاده اند سخن میروند. هرچند که امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که پائین آمدن کیفیت زندگی انسانی همواره با خود اعتیاد را به صورت یک بیماری اجتماعی به جامعه تحمیل میکند. در جامعه ای که امید به داشتن یک زندگی در خور انسان پایین باشد اعتیاد راه فراری برای خلاصی از استیصال و درماندگی است و زنان نیز از این اصل مستثنی نیستند. غلامرضا بابایی که با عنوان کارشناس و پژوهشگر مسائل اجتماعی معرفی شده است، در گفت و گو با خبرنگار جامعه فارس با بیان اینکه بسیاری از زنان هم اکنون بدون توجه به معیارهای سلامت جسمانی، اقدام به لاغر کردن اندام خود می کنند، اظهار داشت: "بی توجهی به سلامت و در ازای آن توجه افراطی بر ظاهر اندام در میان جوانان و به خصوص زنان کشور، از عوامل متعددی نشأت گرفته است و تغییر در الگوها و هنجارهای اجتماعی میان جوانان و زنان کشور از جمله دلایل اصلی بی توجهی زنان و جوانان به سلامت جسمانی و در عین حال توجه ویژه به تغییر ظاهر خود است.

این به اصطلاح پژوهشگر اجتماعی از زاویه ی بیدردی خودش به موضوعات نگاه میکند و گمان میکند زنان در ایران هیچ مشغله ای جز اضافه وزن خود ندارند و اظهار فضل می کنند: "بسیاری از جوانان و خانمها سعی دارند به هر قیمتی که شده، حتی به قیمت آسیب رساندن به سلامتی خود، نگاه جامعه را به سوی خود جلب

فیزیکی روبرو هستند، وقتی دختران بسیاری بدون داشتن آمیدی به آینده با انواع و اقسام خشونت های خانگی روبرو هستند، وقتی زنان از داشتن هر گونه تفریح و شادی در زندگیشان محرومند، برای مرهم گرفتن و حتی چند دقیقه فراموش کردن همه ی این دردها به سراغ اعتیاد میروند. در شرایطی که با اجرای تفکیک جنسیتی انسانها را از داشتن ابتدایی ترین روابط شاد و انسانی با یکدیگر محروم کرده اند و در مدارس که سیستم عقب افتاده ی قرون وسطایی و مذهبی باعث انزجار روزافزون بچه ها از رفتن به کلاس درس را ایجاد کرده اند، اعتیاد یکی از راههای خلاصی از تحمل این اوضاع میشود. وقتی زنانی برای گذران زندگیشان مجبور به تن فروشی میشوند و سن تن فروشی به ۱۱-۱۰ سال رسیده است و آمار بسیار بالای زنان تن فروش و وجود باند های مافیایی صنعت سکس، چگونه

نیستند و حکومت و اوباش حکومتی هم دائما آنها را مورد تعرض قرار می دهند و از هیچگونه امنیتی برخوردار نیستند. در این جنگل انسانی دست ساز اسلاميون دیگر زنان اولین هدف انواع آسیب های اجتماعی هستند. خشونت، بیرحمی و بیحقوقی که بر زنان روا داشته میشود به مراتب بیشتر از مردان است و همه این فشارها خود را به صورت پدیده اعتیاد نشان میدهد. همانطور که آمار اعتیاد در زنان رو به فزونی است امروز شاهد افزایش بیسابقه آمار بیماری های روانی و افسردگی و در برخی موارد خودکشی در بین زنان هستیم. و لابد پژوهشگر شکم سیر اسلامی این موضوعات را هم بدلیل بی توجهی زنان به "سلامتیشان" و از سر خوشی بیش از حد آنها میبینند!!! وقتی بسیاری از زنان برای نگهداشتن شغلشان با انواع آزارهای جنسی و روانی و حتی

میتوان پدیده ی اعتیاد زنان را از سر انگیزه ای برای لاغر شدن دانست؟! در اوضاع نابسامان جامعه ی ایران سود های کلانی از صنعت مواد مخدر ودر کنار آن صنعت سکس به جیب سرمایه داران کشیف اسلامی سرازیر میشود. ورود زنان به عرصه ی اعتیاد به منزله بازار بکر و جدیدی است که با هرچه به قهقرا کشاندن جامعه میتوان فروش مواد مخدر را بالا برد و زنان بیشتری را به گرداب مهلك اعتیاد کشاند. شرمتان باد که چرخ سرمایه هایتان بر تن های رنجور انسانهایی استوار است که قربانیان وضع موجود هستند. اما این جامعه اعتیاد را به عنوان تنها راه خلاصی از منجلا ب سرمایه داری اسلامیتان انتخاب نخواهد کرد، این در همیشه بر این پاشنه نخواهد گشت و انتخاب دیگری نیز هست. بساط شما جانینان را بر هم خواهیم زد و دنیایی میسازیم که شایسته ی انسان باشد.*

ساعات پخش برنامه های کانال جدید افزایش یافت!

پخش برنامه های تلویزیون کانال جدید از چهارشنبه ۲ اسفند ۱۳۹۱ برابر با ۲۰ فوریه، به ۴ ساعت در روز افزایش یافت.

کانال جدید هر روز هفته، از ساعت ۹ و نیم تا ۱ و نیم شب بوقت ایران (۷ تا ۱۱ شب به وقت اروپای مرکزی) پخش میشود.

کانال جدید همه روزه برنامه پخش مستقیم دارد. با برنامه پخش مستقیم تماس بگیرید!

فرکانس و ساعات پخش کانال جدید را به اطلاع دیگران برسانید!

به کانال جدید کمک مالی کنید! یاری کنید تا ساعات پخش را باز هم افزایش دهیم!

کانال جدید:

شبکه کورد کانال kurd channel

هاتبرد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۶۴۲

افقی، سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۶/۵

<http://www.newchannel.tv/>
nctv.tamas@gmail.com

شماره حساب:

England
Account nr: 45 47 79 81
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West
IBAN:GB77 NWBK 6024 2345
4779 81
BIC: NWBK GB 2L

روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی را هر چه باشکوهرتر برگزار کنیم ۲۰ ژوئن ۲۰۱۳ برابر با سی ام خرداد ۱۳۹۲

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران CFPPI در حالی به استقبال ۳۰ خرداد ۱۳۹۲ برابر با ۲۰ ژوئن ۲۰۱۳ روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران می‌رود که رژیم جمهوری اسلامی در ایران مستاصل تر از همیشه به جنایات خود با حدت و شدت بیشتری ادامه می‌دهد. رژیم منفور جمهوری اسلامی توانست حکومت مذهبی خود را با سرکوب و اعدام از همان روز اول به میلیونها انسان تحمیل نماید. آری انقلاب ۵۷ را مثله کردند، به خون کشیدند. وحشیانه سرکوب کردند. بهترین زنان و مردان یک نسل را کشتند. زنده زنده خاک کردند. صدتا صدتا خفه کردند. هزار هزار شکنجه و معیوب کردند. فراری دادند و از زندگی ساقط کردند. یک هالوکاست اسلامی تمام عیار راه انداختند.

در ۳۰ خرداد ماه ۱۳۶۰ برابر با ۲۰ ژوئن ۱۹۸۱ رژیم سرکوب سیستماتیک خود را در بعد بیسابقه ای وسعت داد، موجی از دستگیریها و بدنبال آن شکنجه و اعدامهای وسیع را براه انداخت و به این ترتیب دهه خونین شصت را شروع کرد. هزاران آزادیخواه جان خود را از دست دادند. در تابستان ۱۳۶۷ رژیم بیش از پنج هزار زندانی سیاسی را تنها در عرض سه هفته اعدام کرد.

در ۲۰ ژوئن ۲۰۰۹ برابر با ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ میلیونها نفر علیه جمهوری اسلامی به خیابانها ریختند و تلاش تاریخی و جانانهای را در تاریخ مبارزاتی خود ثبت کردند. رژیم که موجودیت خود را شدیداً در خطر میدید با تمام قوا به سرکوب دست زد و تنها در روز ۳۰

خرداد بیش از ۴۰۰۰ نفر را در تهران دستگیر و مورد شکنجهای قرون وسطائی قرار داد.

جمهوری اسلامی در وحشت از خیزش مجدد مردم، مردمی که بخاطر فقر، گرانی، بیکاری، سرکوب و بیحقوقی و تحقیر کارد به استخوانشان رسیده است، به سرکوب و جنایت بیشتری روی آورده است. اعدام های سیستماتیک، دستگیری های هر روزه و محکومیت‌های سنگین فعالین سیاسی، فعالین کارگری، دانشجویان معترض، فعالین دفاع از حقوق زنان، وکلای زندانیان، هنرمندان و روزنامه نگاران، اقلیتهای ملی و مذهبی نشان از قدرت و اقتدار حاکمیت آنان نبوده و نیست، بلکه بر عکس دقیقاً اثبات ضعف، ناتوانی، در هم ریختگی رژیم است که در سراشیب سقوط و اضمحلال قرار گرفته است و این جنایات توجیهی ندارد جز وحشت مافیای قدرت از طوفانی که در راه است.

مردم، آزادیخواهان، انسانهای شریف! جهانیان باید بدانند که این حکومت با جنایت و کشتار پابرجاست! باید بدانند که جمهوری اسلامی با چوبه دار و کشتار و شکنجه و زندان متولد شده است و با خونریزی ادامه حیات میدهد! باید با خبر شوند که این حکومت از وحشت انقلاب و خیزش و قیام مردم حاضر است دست به هر جنایتی بزند تا ساعتی بر عمر کثیف خود بیفزاید! این حکومتی درنده ایست که در پرونده فردی و جمعی حاکمیتش صدها فقره قتل عمد خوابیده است! جهانیان باید زجرنامه هزاران زندانی سیاسی را در طی

عمر پر نکبت جمهوری اسلامی بشنوند و از حقایق هولناک سیاهچالهایی این رژیم جنایتکار با خبر شوند.

این صدای رسای ماست که جهانیان را، میلیونها انسان شریف و نوه دوست را در کنار ما قرار میدهد تا امر دفاع فوری و اضطراری از هزاران زندانی سیاسی و صدها عزیزی که هر آن چوبه دار زندگیشان را تهدید میکند را میسر کند. یورش و گروگان گیری سیاسی از میان مخالفان سیاسی، رفتار وحشیانه با زندانیان سیاسی، اخبار هولناک اعدامهای دستجمعی، کسب و کار هر روزه این حکومت

بیستم ژوئن فقط یکروز نیست! یک کمپین وسیع برای سازمان دادن جنبشی اعتراضی است که میخواهد جهان متمدن را برای پشتیبانی از خواست آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی در ایران بسیج کند! واکنشی بین المللی نسبت به خطرات جدی که جان عزیزان ما را در زندانهای جمهوری اسلامی تهدید می کند، ایجاد نماید. بیستم ژوئن در عین حال سمبل اتحاد و عهد و پیمان ما برای آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی و پایین کشیدن چوبه های دار است! مبارزات زندانیان سیاسی در سیاهچالهای مخوف اوین و رجایی شهر و همه زندانهای بیشمار جمهوری اسلامی حماسه‌ای عظیم است. این مبارزات شورانگیز لایق بزرگترین حمایت های و پشتیبانی‌های بین المللی است! هزاران زندانی سیاسی و خانواده‌های مضطرب و نگران‌شان چشمشان به

اقدامات بین المللی ماست. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی سال ۲۰۱۰ روز بیستم ژوئن برابر با سی خرداد را به عنوان روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی اعلام کرد. در سال ۲۰۱۱ بیش از پنجاه شهر دنیا و سال ۲۰۱۲ بیش از ۲۹ شهر دنیا به اعتراضات روز بیست ژوئن پیوستند. تعداد وسیعی از تشکلهای شخصیتها و سازمانهای مدافع آزادی زندانیان سیاسی این مراسمها و اعتراضات را سازمان داده بودند.

بیاید امسال نیز دست در دست هم، این حرکت را هرچه بیشتر گسترش دهیم. بیاید تا در ۲۰ ژوئن ۲۰۱۳ برابر با ۳۰ خرداد ۱۳۹۲، روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران، با تمام قوا به دفاع از زندانیان سیاسی برخیزیم و خواهان آزادی فوری آنها و پایان دادن به اعدام و شکنجه شویم.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی CFPPI از همه مدافعین حقوق انسانی یکبار دیگر دعوت می‌کند که در روز بیست ژوئن ۲۰۱۳ در مراکز شهرها و در مقابل کنسولگریها و سفارتخانه های حکومت اسلامی میتینگهای اعتراضی سازمان داده و از زندانیان سیاسی در ایران فعالانه حمایت به عمل آورند. ما از تمامی تشکلهای مدافع آزادی زندانیان

سیاسی دعوت میکنیم که با صدوراطلاعیه و بکارگیری امکانات و ابتکارانشان در برگزاری روز بیستم ژوئن، روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی شرکت کنند- این روز متعلق به همه ماست.

سرور کردار
مسول کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران CFPPI
بیستم فوریه ۲۰۱۲ برابر با دوم اسفند ۱۳۹۱

Campaign to Free Political Prisoners in Iran (CFPPI)

Sarvar Kardar
Coordinator
+47 (0) 4133 3268
freepoliticalprisoners@gmail.com
Address: CFPPI
BM Box 6754, London
WC1N 3XX, U.K.
www.iranpoliticalprisoners.com
http://zندانisia-si.wordpress.com/
http://20juneiran.wordpress.com
http://www.youtube.com/watch?v=jwRguO4ZUxU&feature=plcp
http://www.youtube.com/user/CFPPI2009
Facebook
Twitter
Flickr
http://www.youtube.com/watch?v=tMGfeDvIo3c&feature=youtu.be

International Committee Against Stoning
(http://stopstoningnow.com)
International Committee Against Execution
(http://notonemoreexecution.org)

For more information contact:
Spokesperson: minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

اساس سوسیالیسم انسان است!

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا دو فعال کارگری سنندج محاکمه شدند



این دو فعال کارگری از اعضا هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران هستند.

قاضی دادگاه اعلام کرد این اتحادیه را ویران خواهیم کرد.

بنا خبر منتشره از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از اعضای هیات مدیره این اتحادیه صبح روز ۵ اسفند در شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج برای چندمین بار مورد محاکمه قرار گرفتند. وکیل این کارگران آقای محمد قوامی نیز در دادگاه حضور داشت. قاضی دادگاه با غیر قانونی خواندن اتحادیه آزاد کارگران ایران تلاش کرد شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا را ملزم به استعفا از اتحادیه بنماید و به آنان اعلام کرد در صورت مراجعه به اداره اطلاعات و دادن تعهد مبنی بر استعفا از اتحادیه حکم برائت شان را صادر خواهد کرد. او تأکید کرد در غیر اینصورت باید منتظر صدور حکم باشند. این دو فعال کارگری با دفاع از فعالیت خود در اتحادیه

آزاد کارگران ایران بر عدم استعفای خود از این اتحادیه تأکید کردند و اعلام نمودند این اتحادیه یک تشکل کارگری است و کلیه فعالیتهای آن مبتنی بر دفاع از حقوق صنفی و انسانی کارگران می باشد. در ادامه این دادگاه قاضی با تأکید مجدد بر دادن تعهد از سوی شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا اعلام کرد ما این اتحادیه را ویران خواهیم کرد. این دادگاه حدود ساعت ۱۲ ظهر پنجم اسفند ۱۳۹۱ پایان یافت. شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا منتظر صدور حکم این دادگاه میباشند.

قاضی دادگاه با تهدید به ویران کردن تشکل کارگران می خواهد صدای اعتراض کارگران را خفه کند. کارگران زندانی هیچ جرمی مرتکب نشده اند. مجرم واقعی سران و کاربدستان حکومت جنایتکار، فاسد و دزد اسلامی هستند که تا کنون جامعه ای را به ویرانه تبدیل کرده و اکنون یکی از جانیان حکومت بر طبل ویران ساختن تشکلهای کارگری می

کوبد. بازداشت و زندانی کردن و تحت فشار قرار دادن فعالین کارگری سیاستی است که جمهوری اسلامی برای خفه کردن صدای کل جامعه در پیش گرفته است. جنبش کارگری ایران در هیچ دوره ای به اندازه امروز چهره های محبوب و شناخته شده نداشته است. جمهوری اسلامی ایران می خواهد همین دستاورد را از جنبش کارگری بگیرد و جامعه را

آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی بشوند. این دو فعال کارگری سنندج فقط به جرم دفاعشان از حقوق خود و هم طبقه ای هایشان محاکمه شده اند. ما هر نوع احضار، دادگاهی و تحت تعقیب قرار دادن این دو فعال کارگری را محکوم میکنیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ فوریه ۲۰۱۳، ۶ اسفند ۹۱

جمهوری اسلامی دو نفر به اسامی قانع رضایی و هشیار نجاری را ربوده است

قانع رضایی و هشیار نجاری اهل روستای آویهنک در نزدیک سنندج هستند. این دو نفر بوسیله نیروهای امنیتی رژیم اسلامی ربوده شده و بعد از یک هفته هنوز هیچ اطلاعی از محل بازداشت و یا زندان آنها در دست نیست. نیروهای امنیتی تا کنون به خانواده و بستگان آنها نگفته اند که فرزندان شان در کدام زندان یا

بازداشتگاه بسر میبرند. تنها چیزی که مقامات دولتی و امنیتی رژیم به بستگان این دونفر گفته اند این است که دنبال آنها نگردید بی فایده است.

طبق گزارشی که به کمیته کردستان حزب رسیده است از یک هفته قبل تا کنون نیروهای امنیتی و مسلح رژیم هر روز به چند خانه در این روستا حمله کرده

و کامپیوترها و کتب این خانواده ها را با خود میبرند.

بر اساس گزارش همین منبع خبری مدتی قبل در یک مراسم عروسی تعدادی از زنان این روستا با گلدوزی ستاره قرمز بر پیراهن خود در این مراسم حاضر شده اند. بعد از چند روز نیروهای امنیتی با ریختن به خانه کسانی که این نوع پیراهن را بر تن داشته

اند پیراهن ها را گرفته و آتش زده اند.

به دنبال این وقایع گفته اند به دنبال خیاطی میگردند که این پیراهن ها را دوخته است. در ادامه این فشار و فضای پلیسی مردم این روستا بیش از پیش نگران جان و سلامت قانع رضایی و هشیار نجاری هستند. کمیته کردستان حزب ضمن

محکوم کردن این فضای پلیسی خواهان آزادی فوری قانع رضایی و هشیار نجاری است و از مردم آویهنک می خواهد متحد و یک پارچه در مقابل زورگویی نیروهای امنیتی رژیم بایستند و خواهان آزادی فوری عزیزان خود بشوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

نشست هیئتی از کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران، با اتحادیه سراسری کارگران سوئد

روز چهارشنبه ۲۰ فوریه ۲۰۱۳ بنابه قرار قبلی هیئتی مرکب از یوران گوستاوسون، افسانه وحدت، فرامرز قربانی و سیامک بهاری نشست با اتحادیه سراسری کارگران سوئد (LO) داشتند. این نشست در محل ساختمان مرکزی این اتحادیه انجام گرفت در این جلسه Leif saksson نماینده بخش بین المللی اتحادیه سراسری کارگران سوئد (ال او)، Petri Myllykoski از اتحادیه کمونال، سعید تقوی و مجید تمجیدی از اتحادیه ترانسپورت و Bertil Ottoson از سازمان عفو بین الملل (امنستی اینترنشنال) شرکت داشتند. این نشست اساساً در همبستگی با کارگران زندانی و مبارزات کارگران در ایران از سوی کمیته همبستگی بین المللی کارگری تقاضا شده بود.

روز چهارشنبه ۲۰ فوریه ۲۰۱۳ بنابه قرار قبلی هیئتی مرکب از یوران گوستاوسون، افسانه وحدت، فرامرز قربانی و سیامک بهاری نشست با اتحادیه سراسری کارگران سوئد (LO) داشتند. این نشست در محل ساختمان مرکزی این اتحادیه انجام گرفت در این جلسه Leif saksson نماینده بخش بین المللی اتحادیه سراسری کارگران سوئد (ال او)، Petri Myllykoski از اتحادیه کمونال، سعید تقوی و مجید تمجیدی از اتحادیه ترانسپورت و Bertil Ottoson از سازمان عفو بین الملل (امنستی اینترنشنال) شرکت داشتند. این نشست اساساً در همبستگی با کارگران زندانی و مبارزات کارگران در ایران از سوی کمیته همبستگی بین المللی کارگری تقاضا شده بود.

نشست با معارفه ای اولیه شروع شد و آقای لیف ایزاکسون به کتابچه سالیانه آی ال او، سازمان جهانی کار، اشاره کرد که دو صفحه آن به کارگران زندانی در ایران اختصاص داده شده است. و اظهار کرد این بخش از کتاب توسط (ال او) تهیه گردیده است. یوران گوستاوسون و سیامک بهاری از جانب کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران و کمپین برای آزادی کارگران زندانی که از سوی این کمیته به راه افتاده است، چهار فقره اسنادی که این کمیته برای این ملاقات تهیه کرده بود را ارائه دادند. این اسناد حاوی بیوگرافی کوتاهی از کارگران زندانی و عکس و تصاویر این کارگران و نیز قطعنامه ای برای تصویب در حمایت از کارگران زندانی بود. یوران گوستاوسون به ابتکار ال او

در این سند وضعیت وخیم جسمی و ضرورت درمان اضطراری چهار تن از کارگران زندانی به اسامی بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ زمانی و رضا شهابی و محمد جراحی توضیح داده شده بود. در این سند درخواست شده بود که: ۱- کارگران زندانی فوری به عضویت افتخاری اتحادیه کارگری سوئد درآیند. ۲- ال او امکان دعوت این کارگران به سوئد برای شرکت در یک کنفرانس بزرگ دفاع از کارگران ایران را بررسی کند. ۳- ال او به حضور نمایندگان حکومت اسلامی در سازمان جهانی کار اعتراض کند و خواهان اخراج آنان از این اجلاس گردد.

۴- ال او خواهان اخراج جمهوری اسلامی از همه نهادهای بین المللی بدلیل نقض خشن حقوق اولیه کارگران و مردم بشود. در این نشست، نماینده سازمان عفو بین الملل اعلام کرد که موضوع کمک رسانی به خانواده کارگران زندانی را پیگیری میکند و آماده کمک رسانی به این خانواده ها است. این جلسه نظر به اهمیت تصمیمات و موضوعاتی که در آن مطرح شد، اجلاس با اهمیتی قلمداد گردید و بر این نکته تاکید کردند که برای عملی کردن این مصوبات تلاش جدی خواهند کرد. گزارشی از این نشست در سایت ال او سوئد نیز درج شده است.

گزارش از سیامک بهاری عضو کمیته همبستگی بین المللی کارگری شاخه سوئد

کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران
۲۳ فوریه ۲۰۱۳

International Labour Solidarity Committee-Iran (Free Them Now) Shahla Daneshfar ,shahla_dane shfar@yahoo.com Bahram Soroush ,bahram.soroush@gmail.com http://free-them-now.blogspot.co.uk/

http://www.fackligarattigheter.n u/agera/iran-arbetstagar e-i-iran-behover-dig http://www.fackligarattigheter.n u/protestaktioner , http://survey.ituc-csi.org/?lang=en



بمناسبت ۸ مارس روز جهانی زن کنفرانس، نمایشگاه عکس، راهپیمائی و مراسم!

راهپیمائی بزرگ مدافعین حقوق زن از این میدان: شروع ساعت ۶ عصر به طرف
Medborgarplatsen

بعد از ظهر در محل زیر به نمایش گذاشته میشود:

**Fraserview Hall,
8240 Fraser Street**

تلفن تماس:

6047278986

تورنتو، کانادا:

مکان:

**Rally, 11:00
AM, OISE Auditorium,
252 Bloor St
West
March, 1:00 PM**

زمان: شنبه ۹ مارس ۲۰۱۳

تلفن تماس:

۴۱۶-۷۱۳۸

مالمو، سوئد:

راهپیمائی شرکت در تظاهرات ۸ مارس با عکس ها و پلاکارد هائی در معرفی جنبش نوین زنان زمان: جمعه ۸ مارس ساعت ۵ بعدازظهر محل: تجمع در میدان گوستاو آدولف در ساعت ۵ بعدازظهر و از ساعت ۶ راهپیمائی بطرف
Möllevångstorget

گوتنبرگ، سوئد:

آکسیون و نمایشگاه عکس زمان: جمعه ۸ مارس ساعت ۱۶:۳۰

مکان: برونز پارکن جنب مجسمه یوهانا

شرکت در راهپیمائی:

تجمع در میدان گوستاوآدولف، ساعت ۱۷:۳۰
تلفن تماس: ۰۷۰۸۵۴۴۵۲۹

اسلو، نروژ:

نمایشگاه عکس، راهپیمائی، مراسم:

ادامه صفحه ۱۳

استکهلم، سوئد:

نمایشگاه عکس، راهپیمائی، آکسیون

زمان: شنبه ۲ مارس، یکشنبه ۳ مارس، سه شنبه ۵ مارس و چهارشنبه ۶ مارس در ابتدای

Drottninggatan

برنامه شامل: نمایشگاه عکس، تاتر خیابانی، موزیک و رقص

جمعه ۸ مارس: از ساعت ۴ بعدازظهر نمایشگاه عکس و آکسیون در میدان
Slussen



دیگر تردیدی نیست که جنبشی نوین، بدیع و رادیکال برای آزادی زن جهان را در مینوردد: از هند و بنگلادش تا مصر و ایران، از افغانستان تا اوکراین و از آمریکا و روسیه تا کنگو و استرالیا، فریاد میلیونها انسان معترض را می شنویم: دیگر نمی پذیریم.

فرانکفورت، آلمان:

کنفرانسی با حضور سخنرانان سرشناس بین المللی در فرانکفورت

تحت عنوان: بهار عربی، انقلاب زنانه، سکولاریسم، نه به شریعه سخنرانان:

تسلیمه نسرین نویسنده و منتقد اسلام از بنگلادش

مریم نمازی منتقد سرشناس مذهب و اسلام، بنیانگذار نهاد

یک قانون برای همه از ایران

هوزان محمود فعال سرشناس مدافع حقوق زن از کردستان عراق

زانا رضانی فعال مدافع حقوق زن از گروه فم

مینا احدی فعال مدافع حقوق زن و منتقد اسلام از ایران

نجلا که لک نویسنده و فعال مدافع حقوق زن از ترکیه

نادین گامیل فعال مدافع حقوق زن و نماینده اتحادیه زنان مصر از مصر

برگزار کنندگان: سازمان علیه تبعیض، شورای مرکزی اکس مسلم روز جمعه ۸ مارس ساعت ۴ بعدازظهر در دانشگاه فرانکفورت محل:

**(Uni Frankfurt)
Asta
Festsaal
Bockenheimer Warte
Merton Str.26-28
60325 Frankfurt am
Main**

تلفن تماس:

015774650186

وتور، کانادا:

نمایشگاه عکس:

زمان: شنبه ۹ مارس از ساعت ۱۲ تا ۴ بعداز ظهر

مکان: آرت گالری ونکوور، سمت خیابان رابسون

جمعه ۸ مارس: این نمایشگاه همچنین در مراسم بزرگداشت روز جهانی زن شورای کارگران شهر

ونکوور در روز ۸ مارس ساعت ۶

زنده باد سوسیالیسم!

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

بهار عربی، انقلاب زنانه، سکولاریسم
نه به شریعه

کنفرانسی با حضور سخنرانان سرشناس بین المللی

تسلیمه نسربین

مریم نمازی

هوزان محمود

زانا رضوانی

مینا احدی

نجلا کله ک

نادین گامیل

جمعه هشت مارس ۲۰۱۲
ساعت ۱۶
داسگاه فرانکفورت
(Uni Frankfurt) Asta
Festsaal
Bockenheimer Warte
Merton Str.26-28
60325 Frankfurt am Main
Kontakt: 015774650186

انتفاضة المرأة في العالم العربي

علیه تبعیض (سازمان دفاع از حقوق زن) - شورای مرکزی اکس مسلم - آلمان
Design by Siavash Modarresi

بمناسبت ۸ مارس روز جهانی زن کنفرانس، نمایشگاه عکس، راهپیمایی و مراسم!

از صفحه ۱۲

دوشنبه ۴ مارس از ساعت ۳ تا
۵ بعدازظهر

محل:

Marktplatz (neben
Ratshaus)

شنبه ۲ مارس، ساعت یک تا سه
بعد از ظهر، نمایشگاه عکس در
مقابل پارلمان نروژ

فرانکفورت

نمایشگاه عکس و تبلیغ کنفرانس
فرانکفورت

جمعه ۱ مارس، از ساعت ۱۲ تا
۲ بعدازظهر در دانشگاه
فرانکفورت

جمعه ۱ مارس از ساعت ۳ تا ۵
بعدازظهر در مرکز شهر (هایت
واخه)

جمعه ۸ مارس از ساعت ۱۲ تا ۲
در دانشگاه فرانکفورت

جمعه ۸ مارس، از ساعت پنج
بعد از ظهر غرفه اطلاعاتی با
عکس و پوستر در محل میتینگ
عمومی به مناسبت ۸ مارس در
youngstorget و شرکت در
راهپیمایی

شنبه ۹ مارس، ساعت چهار بعد
از ظهر مراسم مشترک روز جهانی
زن با سازمان سوسیالیستهای
کارگری افغانستان در
furusetcenter شامل
سخنرانی، نمایشگاه عکس،
موزیک و رقص.

پردونونه، ایتالیا:

کنفرانس مطبوعاتی، سخنرانی و
نمایش فیلم و نمایشگاه عکس،
برنامه پخش مستقیم از تلویزیون
سراسری ایتالیا و دوچرخه سواری
۶۵۰ نفر از اهالی پردونونه در
همبستگی با زنان در کشورهای
اسلام زده

روزهای ۷، ۸ و ۱۱ مارس در
شهر پردونونه ایتالیا برنامه های
متنوعی شامل کنفرانس
مطبوعاتی، سخنرانی و نمایش
فیلم، گفتگوی دو ساعته از
تلویزیون سراسری ایتالیا بصورت
پخش مستقیم از طرف کمیته ندا
دی سازمان داده شده که مرسته
قاندی نیز مهمان این برنامه و از
سخنرانان و مصاحبه شوندگان
این برنامه ها است. جزئیات این
برنامه را در انتهای این لیست
میبینید.

برمن، آلمان:

نمایشگاه عکس و پیکت

ایتالیا:

گرامی باد هشت مارس روز
جهانی زن

کمیته ندا دی در ایتالیا با تدارک
برنامه های متنوع، کنفرانس
مطبوعاتی سخنرانی و نمایش
فیلم در کشور ایتالیا هشت
مارس را گرامی میدارد.

برنامه ها:

پنجشنبه ۷ ماه مارس کنفرانس
مطبوعاتی در شهر پردونونه با
حضور

مرسته قاندی فعال سیاسی مدافع
حقوق انسان که هشت
سال زندانی سیاسی در حکومت
اسلامی بوده است

کریستینا آنوسیاتا معاون رییس
سازمان "هومان رایت وچ" در
ایتالیا

طاهر جعفرزاده رئیس نهاد ندا دی
جمعه هشت مارس سخنرانی در
سالن تئاتر شهر با حضور ۶۵۰
نفر که از قبل اسم نویسی کرده
اند.

ساعت هشت و نیم شب سخنرانی
و نمایش فیلم در سینما زرو در
شهر پردونونه

نمایش فیلم "دوچرخه سبز"
ساخته اولین فیلمساز زن عرب از
کشور عربستان سعودی، داستان
زندگی یک دختر ۱۱ ساله که

عاشق دوچرخه سواری است و
اجازه ندارد در عربستان سعودی
دوچرخه سواری کند.

مردم پردونونه و حومه شهر در
اعلام همبستگی با زنان در
کشورهای اسلام زده که حتی حق
دوچرخه سواری ندارند، همگی
برای حضور در این نمایش اعلام
کرده اند که با دوچرخه خواهند
آمد تا کنون صدها نفر برای این

حرکت سمبلیک و حضور در
سینما اسم نویسی کرده اند.
انجمن دوچرخه سواران ایتالیا با
این حرکت اعلام همبستگی کرده
و در این برنامه ها حضور خواهد
داشت.

روز شنبه مجددا در سینما زرو

برنامه سخنرانی خواهد بود.
دوشنبه ۱۱ ماه مارس مرسته
قاندی به همراه طاهر جعفر زاده
در تلویزیون سراسری ایتالیا
کانال ایتالیا از ساعت شش صبح
بمدت دو ساعت حضور خواهند
داشت و در یک برنامه گفتگوی
زنده با مردم در مورد مشکلات
زنان در ایران و مبارزات زنان
گفتگو خواهند کرد.

از علاقمندان دعوت میکنیم در
این برنامه های متنوع حضور بهم
رسانند.

کمیته ندا دی

۱۶ فوریه ۲۰۱۳

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج

۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 ,
127 02 Skärholmen - Sweden

پیش بسوی یک هشت مارس باشکوه در سراسر جهان!

زنده باد هشت مارس
جهانی زن!

پیش بسوی جامعه ای برابر
و آزاد!

حزب کمونیست کارگری
ایران
۲۵ فوریه ۲۰۱۳

و دولت و مدرسه و صحنه
جوامع امروزی. به همه مدافعان
رنگارنگ ارتجاع ضد زن از
کلیسا و مساجد و مذاهب
مختلف تا حکومتها و
قدرتمداران مرتجع طبقات دارا
هشدار دهیم که تفرقه و جدایی و
پایمال کردن حقوق و منزلت زنان
تحمل پذیر نیست.

وقت آنست که به دژهای پوسیده
ارتجاع ضد زن هجوم بریم و
بگوییم دیگر بس است! اعلام
کنیم که ما زنان و مردان دیگر
آپارتاید جنسی و تحقیر زن را به
هیچ وجه و به هیچ بهانه ای و
ازجانب هیچ دولت و مذهب و
مقامی نمی پذیریم. جای رسوم
عقب مانده اقوام عهد توحش در
زباله دان تاریخ است نه در قانون

که آنرا انکار میکنند بر عقب
ماندگی خود مهر تایید میزنند.
جنبشی گسترده در گوشه و کنار
جهان دارد آنرا فریاد میزند.
هشت مارس امسال هرجا
که هستید در خانه ننشینید!
وقت آنست که دست در دست هم،
در صفوفی میلیونی، با صدایی
رسا، فریاد آزادی بی قید و شرط
و همه جانبه زنان را سردهیم.

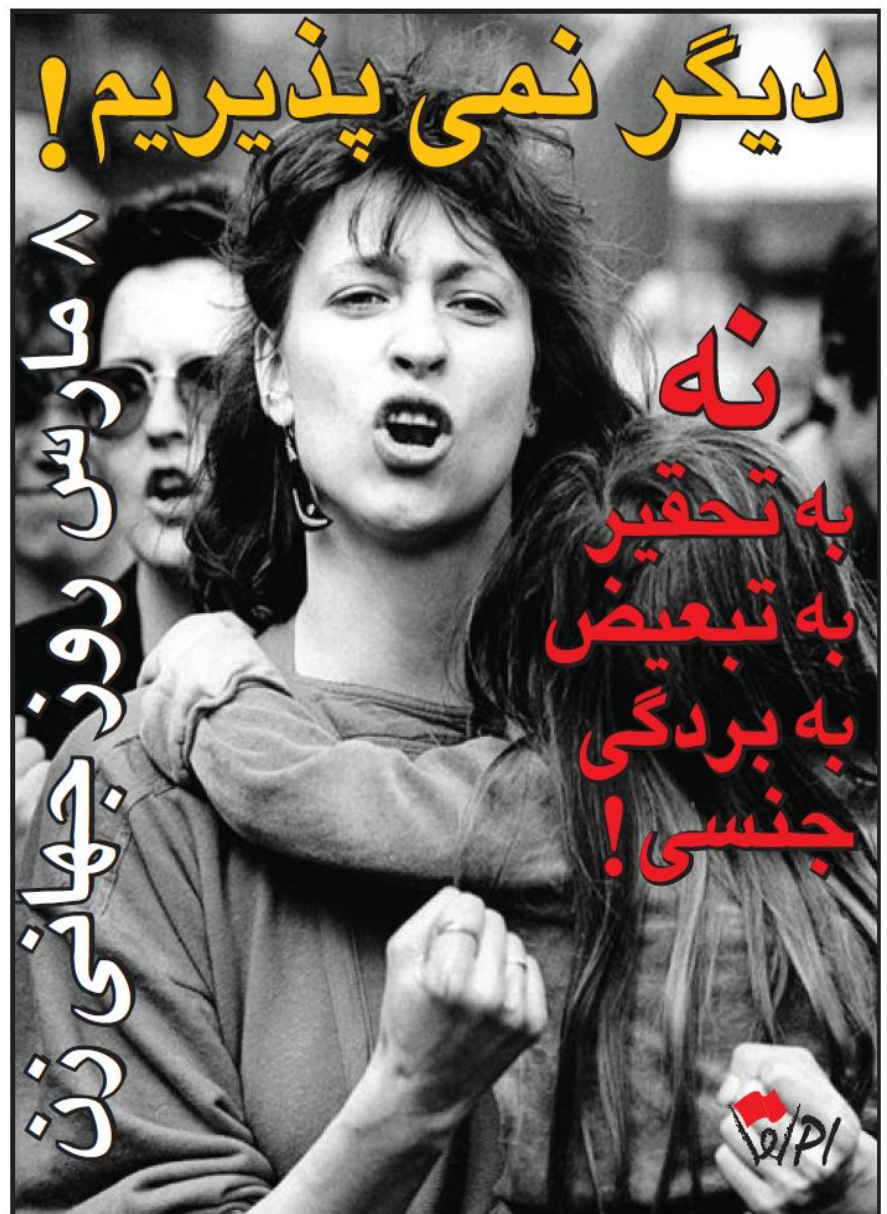
پیش بسوی يك دنیای آزاد و برابر
و انسانی و امروزی! زنده باد
مردم آزاده ای که نسبت به تحقیر
و بردگی زنان بی تفاوت نیستند.
مردان و زنانی که پا به میدان
گذارده اند تا به قوانین و رسوم
نفرت انگیز و پوسیده زن ستیزی
پایان دهند. زن و مرد با هم
برابرنند! این حقیقتی ساده و قابل
فهم و غیرقابل انکار است. آنها



حزب کمونیست کارگری ایران
W/P/1 Worker-Communist Party Of Iran

Communist Youth
Organization
سازمان جوانان کمونیست

www.wpiran.org
www.cyoiran.com



انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر: بهروز مهرآبادی
مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!